

تقاطع ساختار، قدرت و اراده‌ی انسانی

تحلیل جامعه‌شناختی روابط ایران و آمریکا
و قابلیت‌های ناشناخته‌ی آن

وقایع اتفاقیه (۵)

استاندار زنجان خیر داده

استقبال کشورهای بزرگ اقتصادی از سرمایه‌گذاری در زنجان

دارالخلافه (۷)

نماینده زنجان و طاروم در مجلس

خاک و آب و هوای زنجان آلوده است

دارالخلافه (۷)

پایان خالق سال‌های سگی

ماریوبار گاس یوسا، نویسنده‌ای که
نوشتن زندگی‌اش بود

اعلانات (۸)

بازار خرف گرم است

گفت‌وگو با کیارش زندی، انیماتور و کارتون‌نویس

هفت‌حوض (۲)

زنجان، کلیسای طاعون زده

توپخانه (۶)





مدیر کل فرهنگ استان در نخستین نشست خبری:

همفکری برای حل مشکلات کارگشاست



هفت حوض – مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان بر ضرورت تعامل و همفکری اصحاب رسانه برای حل مشکلات این صنف تأکید کرد و گفت: پس از شناسایی مشکلات عرصه رسانه می توان برای آن راهکار عملی ارائه کرد.

به گزارش شبستان از، جعفر محمدی، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان در نشست مشترک با تعدادی از خبرنگاران زنجان اظهار کرد: امیدوارم این جلسات گامی در راستای بررسی مسائل و مشکلات حوزه رسانه بوده و تداوم داشته باشد.

محمدی با تأکید بر اینکه برای حل این مشکلات نیازمند تعامل فکری با اصحاب رسانه استان هستیم، گفت: برای حل مشکلات در هر حوزه ای نیازمند تعامل با زیرربطان آن حوزه هستیم، فهم مشکل گام نخست و حل آن مستلزم همفکری و مشارکت عملی آن حوزه است.

وی با بیان اینکه لازم است مشکلات حوزه رسانه ها و خیر نگاران به خوبی تشخیص داده و راه حل های عملی منتج به نتیجه ارائه شود، گفت: راه حل های عملی قابل دسترس لازم است، سعی خواهد شد مشکلات از طریق رایزنی با برخی دستگاه های مربوطه حل شود.

محمدی بر ضرورت احیای خانه مطبوعات استان زنجان تأکید کرد و گفت اگر وزارتخانه برنامه ای برای اصلاح اساسنامه انتخاباتی خانه مطبوعات داشته باشد نظرات خود را با موضوع مشمولیت بیشتر افراد در این عرصه بیان خواهیم کرد در غیر اینصورت انتخابات خانه مطبوعات را براساس اساسنامه قبلی در استان اجرامی کنیم.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان در ادامه با بیان اینکه برای حل مشکلات این قشر باید اتاق فکر تشکیل شود، گفت: این جلسات تا حصول نتیجه به صورت منظم به صورت ماهانه در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان تشکیل خواهد شد.

در ادامه این نشست هریک از خبرنگاران و مدیران مسئول مطبوعات استان زنجان به بیان مشکلات و نقطه نظرات خود پرداختند.

توقیف ۱۰ تن محموله الوار جنگلی قاچاق در ایجرود

هفت حوض -فرمانده انتظامی شهرستان ایجرود از توقیف یک دستگاه کامیون باری حامل الوار قاچاق به ارزش تقریبی یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال خبر داد.

به نقل از پایگاه خبری پلیس، سرهنگ حسین اوصالو روز پنجشنبه با اعلام این مطلب، افزود: در تداوم اجرای طرح تشدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مقابله با فعالیت های مجرمانه نامن کنندگان اقتصاد کشور، ماموران کلاتری ۱۱ زرین آباد حین گشت زنی در مسیر بیجار –زنجان به یک دستگاه کامیون باری حامل الوار جنگلی مشکوک شده و با هماهنگی قضایی کامیون مذکور را متوقف کردندوی اظهار داشت: ماموران در بازرسی مدارک و اصالت بار این کامیون متوجه نبود مدارک و مجوزهای مثبته برای حمل و نقل ۱۰ تن الوار جنگلی به ارزش یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال شده و با احراز قاچاقی چوب جنگلی، این محموله را توقیف کردند.

فرمانده انتظامی شهرستان ایجرود خاطر نشان کرد: در این رابطه با یک نفر متهم دستگیر و با تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی شد.

دستگیری اتباع غیر مجاز در ماهستان

فرمانده انتظامی شهرستان ماهستان از دستگیری چند نفر تبعه غیر مجاز در دو عملیات مجزا در این شهرستان خبر داد.سرهنگ علی یوسفخانی افزود: ماموران پلیس امنیت عمومی با همکاری عوامل انتظامی در دو مرحله موفق به دستگیری چندین نفر تبعه غیر مجاز شدند. وی اضافه کرد: به رغم هشدارهای فراجا این افراد به صورت غیر مجاز وارد حوزه استحفاظی این فرماندهی شده و در شرکت‌ها و کارگاه‌های خصوصی به کارگیری شده بودند.این مسئول ادامه داد: در این راستا چند نفر کارفرما به اتهام نگهداری و به کارگیری اتباع غیر مجاز به مقام قضائی معرفی و تبعه دستگیر شده جهت استردادبه کشورشان به اردوگاه کرج منتقل شدند.

یوسفخانی به مفاد مجرمانه جابه‌جایی، نگهداری و به‌کارگیری اتباع غیر مجاز در کشور، اشاره کرد و از عموم شهروندان خواست، هر گونه تردد مشکوک را از طریق تلفن ۱۱۰ به پلیس اعلام کنند. مشکلات و نقطه نظرات خود پرداختند.

اشاره: کارتون و کاریکاتور و انیمشین از جمله هنرهای تجسمی اند که هر کدام سهم به‌سزایی در بازنمایی واقعیت و فراواقعیت‌ها دارند. اگر چه انیمیشن به خاطر برخورداری از نیروی حرکتی و تراکم و تسلسل تخیل و روایت‌دازی‌های حیرت‌آور، قابل‌قیاس با هیچ هنر دیگری نیست و حقیقتاً آن را می‌توان جادوگر پلانزاع‌تمامی هنر هادانست.

دنیای امروز دنیای انیمیشن و پویانمایی‌هایی اعجاز‌انگیز است و این هنر هژمونیک با نیروی روزافزونی به فتح هنرمندانهی جهان برخاسته است. انیمیشن، اتوپای غیبطه‌انگیز و جهان‌جادویی همه‌ی هنرهای قدیم و جدید است و هر کدام از این هنرهای کندرو می‌خواهند از معبر عریض و طویل این هنر جایک و چندوجهی متحرک گذر کنند.

به هر صورت یکی از هنرمندان نام‌آشنا و خوش‌سلوک زمانه‌ی ما کیارش زندی است. او زاده‌ی زنجان است و ساکن تهران و عاشق ایران بزرگ.

زندی، استادیار و مدیر گروه آموزشی کارشناسی ارشد انیمیشن و جلوه‌های بصری دانشکده‌ی هنر دانشگاه سوره و عضو هیات مدیره و نایب رئیس انجمن علمی پویانمایی ایران است. او که دکتری پژوهش هنر دارد و کارشناسی ارشد انیمیشن و کارشناسی عکاسی خود را از دانشگاه هنر تهران دریافت کرده است، سال‌هاست علاوه بر تدریس در دانشگاه، در عرصه‌ی رسانه فعال است. زندی در کنار همه‌ی کارهای هنری و علمی، از سال ۱۳۸۵ به انتشار فصلنامه‌ی هنرهای تصویری‌سازی، انیمیشن و کارتون «خط‌خطی» پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۹۸ بر نسخه‌ی چاپی آن خط کشید و از دام چاپ و نشر وارheid.

زندی، شش دوره‌ی پیاپی نماینده‌ی ایران و کیورتور منطقه‌ای جشنواره‌ی بین‌المللی «دیجی‌کن» شبکه‌ی تی‌بی‌اس‌زاین بوده و درک عمیقی از انیمیشن جهان و تکنیک و تخیل سبک ایرانی آن دارد.

«حسی من‌لامبی»، یکی از دو کارگردان انیمیشن «در سایه سرو» که اخیراً برنده‌ی اسکار شد در دوران کارشناسی، دانشجویی او بوده و پایان‌نامه‌اش را با زندی پاس نموده است. **گفت‌وگویی** ما را با کیارش زندی از سر بگیریم:

جناب زندی پروسه‌ی خلق یک اثر هنری برای شما چه مراحلی را طی می‌کند؟

بسیاری از موارد چند عاملی است و به‌بستر خلق وابسته است. بعضی وقت‌ها یک خیر یا یک رخداد می‌تواند انگیزه باشد، برخی اوقات هم یک خشم یا حتی یک شادی کوچک، اما اگر بخواهم برای پاسخ به پرسش شما، جمع‌بندی کنم؛ همه‌ی این عناصر و عوامل را می‌شود به گونه‌ای «سفرارش» تلقی کرد، یک سفارش مستقیم یا غیرمستقیم، سفارش و خواسته‌ی یک شخص یا کل جامعه، سفارشی از نهاد سرمایه‌دار یا سرمایه‌ی یک نهاد مردمی، یا حتی سفارش خودبه‌خود.

پس از دریافت سفارش معمولاً بخش «تحقیق و توسعه» در سیستم تجربی خودم را فعال می‌کنم. در یک پژوهش (چه کتابخانه‌ای چه میدانی و چه به‌پشتوانه‌ی اطلاعات پیشین) جنبه‌های گوناگون سفارش را بررسی می‌کنم و سپس با تبدیل سفارش به‌مسأله‌به‌دنبال‌راه‌حلی متفاوت برای بیان آن می‌گرم که از صافی خودم گذشته باشد، بنابراین اتو‌دها و تصویرسازی‌های ذهنی را آغاز می‌کنم و از آن میان آنچه در زبان‌دلم نریخته‌باشم را روی ورق‌آچه فیزیکی چه دیجیتال) پیاده می‌کنم تا ذهنیت به عنیت تبدیل شود و بتواند مخاطب را به یک تجربه‌ی دیداری دعوت کند و خطراتباطی ایجادشود.

آیا می‌شود گفت زبان و بیان طنز در وضعیتی که فضای کنشگری اجتماعی و سیاسی دچار قیض و قضاوت‌های بی‌رحمانه‌ای می‌شود نقش و کارکرد کم‌هزینه‌تر و کارآمدتر ی ایفا می‌کند و با این ابزار ظریف‌می‌شود هیولای قدرت را متوجه‌ماهیت مخرب خود نمود و مانع نازک و وزیر کانه در برابر یکه‌تازی‌های او برافراشت؟

با یک نگاه گذرا به پرونده‌های قضایی ریز و درشت و سرنوشت تلخ طنزپردازان در یک قرن گذشته در سراسر جهان، از «ریش اووز» تا «اناجی العلی» و از «عزیزنسین» تا «نظر محمدخاشه» و از «علی‌فرات» تا همین «خط‌خطی» خودمان؛ چندان هم زبان طنز کم‌هزینه به‌نظر نمی‌رسد و بیشتر شبیه‌یک بندبازی پاره‌رفتن ذوی‌لبه‌ی تیغ است ولی می‌توان گفت: «با زندگی» که همانا ویژگی هنر پارسی و از بقای ایران در تاریخ است می‌توان به‌بهترین شکلی باسوزن طنز جامعه‌ای به‌قامت جامعه‌ی بی‌ریخت‌وخت تاریخست قابل دیدن‌شود و اتفاقاً همگان ببینند که پادشاه لباس به تن ندارد؛ یعنی طنز می‌تواند کپسول و پوششی مقام‌قضائی معرفی و تبعه دستگیر شده جهت استردادبه کشورشان به اردوگاه کرج منتقل شدند.

یوسفخانی به مفاد مجرمانه جابه‌جایی، نگهداری و به‌کارگیری اتباع غیر مجاز در کشور، اشاره کرد و از عموم شهروندان خواست، هر گونه تردد مشکوک را از طریق تلفن ۱۱۰ به پلیس اعلام کنند. مشکلات و نقطه نظرات خود پرداختند.



هنرینه‌هایی که ارباب جراید برای انتشار طنز و کارتون در دهه‌های شصت تا هشتاد پرداختند، باعث شد که فته‌ی این چراغ روشنگر پایین کشیده شود و کم‌فروغ گردد و نوری در تاریکخانه‌ها نتابد و شاید بتوان گفت که ماهنامه‌ی خط‌خطی آخرین سنگر نشر کارتون طنز ایران بود که بالاخره در سال ۱۳۹۸ به ایستگاه خود رسید. تغییر رسانه‌ها از مطبوعات به شبکه‌های اجتماعی دیجیتال هم بی‌تأثیر تراز ذغال خوب، دوست‌نایب بودند! **سوژه‌یابی و ایده‌پردازی چه اندازه در کارتون مهم‌اند، از اهمیت سوژه‌یابی و ایده‌پردازی در آن برای ما بگویید و اینکه آیا می‌توان گفت ایده‌پردازی سکوی پرش آثار کارتونی‌است؟**

کارتون به‌عنوان یک هنر تجسمی و رسانه‌ای دو بال پرواز دارد: اجرا، ۲. سوژه.

در نگاه نخست شکل و فرم و اجرای کارتون جلب نظر می‌کند ولی ماندگاری و حک آن

در ذهن مخاطب به ایده و محتوا

تخیل و طنز و افراق و ویژگی‌های کارتون، کاریکاتور و انیمیشن است این هنرها چه نسبتی باهم دارند و کدام یک در انجام

ماموریت‌های اجتماعی سیاسی موفق‌تر عمل می‌کند؟ خروج از دامنه‌ی عادت و مواجهه با غافلگیری‌های نامألوف و چنگ‌زدن به دنیای فراواقعی و راه یافتن به میانه‌ی کارزار می‌کشد و ایفای نقش می‌کند. گرچه امروزه و بس‌سری‌ها و سری انیمیشن‌های اجتماعی و کارهای کوتاه جشنواره‌ای انیمیشن هم تلاش‌های چشمگیری در پذیرش ماموریت‌های اجتماعی و فرهنگی داشته‌اند.

مواجهه‌ی کارتون و کاریکاتور با سانسور چگونه است، آیا گریز زندانه‌ی از چنین گرداب حائلی می‌کنند یا در کام آن فرو رفته و ژنراتورهای حیاتی هنری آن از کار می‌افتد و به دام فنا فرو می‌غلند؟

سانسور هم مثل هر پدیده‌ی زندهای روز به روز رشد می‌کند و هوشمندتر می‌شود و شاید هنر اعتراضی و سانسور را اگر رویه‌روی هم قرار دهیم، به مثابه‌ی دو روی سکه و مانند شب و روز و همانند گرفت‌گیر و به‌گونه‌ای مثل بین و یلگ عمل می‌کنند که به هم وابسته‌اند و باهم و بر هم در تکاپو هستند و پیش می‌روند و گاهی این فرامی‌آید و برای دروی تلخ برای قابل فروریدن در کام خودکامگان گاهی آن فرو می‌رود ولی همدیگر را رها نمی‌کنند.

با توجه به کسب جایزه‌ی اسکار توسط انیمیشن «در سایه سرو» که یک انیمیشن ایرانی است آیا می‌شود گفت فصل جدیدی در عرصه‌ی انیمیشن ایرانی باز شده و نسبت به آینده‌ی این هنر مدرن در ایران



بازار خرف گرم است

گفت‌و‌گو با کیارش زندی، انیماتور و کارتون‌نست

حسین نجاری



رسانه و مخاطب همواره سعی در اثرگذاری بر روی هم دارند، انیمیشن هم از این قاعده مستثنی نیست، اگر روزگاری سینمای انیمیشن سعی در تولید تماشاچیان برابر الگوهای خود داشت که با موهای طلایی و انام‌های باری چشم به راه منچی و شاهزادگان زرین‌کمر بودند، به مرور دختران و زنان تأثیرگذار جامعه، خودشان را به رسانه تحمیل کردند و توانستند جایگاه اجتماعی خود را اثبات کنند و چهره‌ی موثر خود را به انیمیشن هم بدهند و طراحی قهرمانی زنان را رای‌دیزاین کردند.

با توجه‌به اینکه انیمیشن بر اساس بهره‌گیری از پتانسیل‌های مختلف هنری ادبی به نوعی مولتی‌مدیا محسوب می‌شود و از ظرفیت هنرهای دیگر اعم از داستان و نقاشی و طراحی و… بهره می‌برد می‌توان گفت یکی از فائحان هنری آینده‌ی ما حداقل در چشم‌اندازی نزدیک‌تر، انیمیشن‌است؟

گسترش و پیشرفت تکنولوژی با نزدیک شدن هنرهای تجسمی و دراماتیک به همراه کم‌رنگ شدن مرزهای کلاسیک هنر –به‌ویژه پس از انقلاب دیجیتال– رویکرد جدیدی را رقم زد، به گونه‌ای که همه‌ی هنرها به سوی ماهیت، امکانات و قابلیت‌های انیمیشن گرایش یافتند؛ «نقاشی» به سمت «ویدئوآرت» رفت، «عکاسی» راه «تایم‌لپس» در پیش گرفت، «مجسمه‌سازی» به سوی «انیماترونیک» در سینما شناخت و «مایش عروسکی» به «انیمیشن استاپ‌موشن» راه باز کرد و «گرافیک» در پی «گرافیک متحرک(موشن گرافیک)» رهسپار شد و خود سینما هم، راهی دنیای جلوه‌های بصری (VFX) شد…

گویا طنزی در تاریخ هنر جریان داشته و همگی این رشته‌ها از ابتدای خواستند و توانسته‌بودند انیمیشن شوند و اینک به‌کتبچه‌ی راهنمای جادو دست یافته‌اند و آرزوهای شان را زندگی می‌کنند.

در جامعه‌ی امروز و افسرده، طنز و فکاهه چه کار کردی می‌تواند داشته‌باشد، تبدیل یک تراژدی به یک وضعیت کمدیک و بیان وارونه‌ی آن چه قدر می‌تواند از آلام انسان درمندا امروز بکاهد؟

بگذارید به جای من، «چارلی چاپلین» پاسخ شما را بدهد: زندگی از نزدیک تراژدی و از دور یک کمدی است. برای خنده‌ی واقعی باید بتوانید درد خود را تحمل کنید و آن را به بازی بگیرید.

وقتی زندگی صد دلیل برای گریه کردن به شما نشان می‌دهد، شما هزار دلیل برای خندیدن به آن نشان دهید. لیخند بزح حتی اگر دلت زخمی است، لیخند بزح حتی اگر در حال شکستی!

من نامالایمات زیادی در زندگی دارم، اما لب‌های من این را نمی‌دانند؛ آن‌ها همیشه می‌خندند.

لیخند بزح! بدون انتظار پاسخی از دنیا، بلد روزی دنیا آن‌قدر شرمند می‌شود که به جای پاسخ لیخند با تمام سازهایت می‌رقصد.

تسلط بر طراحی طنز به عنوان یک مهارت انسانی از عکاسی دشوارتر است، ولی چرا تعداد عکاسان طنز و فتومونتاژگرهای طنز کمتر از کارتون‌نست‌هاست؟
شاید به دلیل زبان و بیان هکاسی است که از ابتدای پایه‌ی بازتاب‌واقعبت شکل گرفت و پایگاه خود را بر استنادنیان نهاد و کمتر به وجوه فانتزی هنر نزدیک شد و بیشتر خود را گزینشگر صحنه‌های موجود دانست.

با توجه به اینکه مدیر مسئول مجله‌ای طنز هستید و ماهنامه‌ی خط‌خطی را سال‌ها منتشر کرده‌اید، از مشکلات این عرصه برای ما بگویید.

پیش از خط‌خطی هم سی سال در خدمت مطبوعات طنز کشور بودم و در این سال سی، بسی رنج برده بودم؛ از کژتابی‌ها، از گرفتاری‌های کاغذ و چاپ، از دک‌های مطبوعات که تبدیل به‌باهای دخانیات شده‌اند؛ از گروه مجلات دولتی که با رانت و بیت‌المال با کپی از نشریات خلاق رقیب‌تراشی می‌کردند، از صاحبان صنایع بزرگ که همه‌جا ریخت‌پاش می‌کنند ولی برای دادن تبلیغ به مجلات تبدیل به خسیس مولیر می‌شوند، از مدیران مملکت که فقط برای جوری جنس، مجوز مجلات طنز می‌دهند، از مسئولان بی‌ظرفیت، از اقوام و گروه‌های ستم‌پدیده‌ی جامعه‌کمدیواری کوتاه‌تر از دیوار نشریات طنز برای فرکش کردن خشم خود نمی‌یابند، از بی‌سلیقگی مخاطب که می‌گذارد بازار لعل به دست خرف شکسته

شود، از همکاران طنزپرداز که به جای درد مردم درد نام و نان دارند، از بی‌مایگان هنرنبدی که کاریکاتور را ابزار برای سهم‌خواهی از قدرت کرده‌اند؛ از نابلدی تشکیل یک تشکل در کارتون، از ریاضت‌تقصادی که با حذف کالای فرهنگی از سبد خانوار شروع می‌شود، از بزرگان کوچک و از کوچگان خودبزرگ‌بین یا بزرگ‌شده‌از…

جناب زندی ممنونم از وقتی که به این گفتگو اختصاص دادید.

خواهش می‌کنم پانته‌باشید.



کتاب «گذری بر نگاه تفکیک زمین

شهری» منتشر شد

هفت حوض – کتاب «گذری بر نگاه تفکیک زمین شهری» به‌عنوان نخستین کتاب تخصصی در حوز تفکیک‌اراضی شهری در ایران توسط انتشارات جهاد دانشگاهی واحد زنجان منتشر شد.

به گزارش ایسنا، مه‌ران فرامرزی، مؤلف کتاب «گذری بر نگاه تفکیک زمین شهری» با بیان اینکه تاکنون هیچ کتاب تخصصی فارسی در زمینه تفکیک زمین شهری منتشر نشده بود، اظهار کرد: از سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به صورت جدی روی موضوع تفکیک زمین کار کردم و متوجه شدم که در این زمینه فقدان منابع علمی و تخصصی جدی وجود دارد.

او افزود: پیش از این فقط چند مقاله در این حوزه منتشر شده بود، اما کتاب جامع و کاربردی که به‌هم موضوع تفکیک زمین، هم از منظر حقوقی و هم از منظر کیفی بپردازد، وجود نداشت. وی با اشاره به اهمیت نگاه کیفی به مقوله تفکیک زمین، گفت: زمین کالایی است که قابلیت‌باز تولید ندارد و همین مسأله اهمیت به‌رمداری صحیح و علمی آن از را دوچندان می‌کند. در کتاب حاضر تلاش شده به جای نگاه صرفاً فکمی، به جنبه‌های کیفی و به‌رمدوری پایدار از زمین نیز پرداخته شود.

فرامرزی درباره نگاه تاریخی کتاب به الگوهای ساخت‌و ساز شهری، بیان کرد: در گذشته نسبت فضاهای باز به فضاهای ساخته‌شده در معماری سنتی ایران از منظر و نیاز اقلیمی خاصی پی‌روی می‌کرد اما امروزه بدون پیش‌خوانه علمی مشخص، نسبت‌هایی مانند ۶۰ درصد ساخت و ۴۰ درصد فضای باز به‌کار گرفته می‌شود که ما در این کتاب به بررسی علمی ریشه‌های تاریخی این نسبت‌ها پرداخته‌ایم. وی گفت: در این کتاب الگوهای تفکیک‌زمین در اقلیم‌ها و فرهنگ‌های مختلف ایران بررسی شده‌اند، به عنوان مثال، در مناطق شمالی یا مناطق گرم و خشک، نحوه تفکیک و ساخت‌وساز تفاوت‌های معناری دارد که به‌گرفته‌از نیازها و تجربیات زیستی مردم در دوره‌های مختلف تاریخی است. فرامرزی درباره مخاطبان این اثر، عنوان کرد: این کتاب کاربردی است و علاوه بر جامعه دانشگاهی می‌تواند مورد استفاده مدیران شهری، پیمانکاران، وزارت کشور و سایر نهادهای مرتبط با برنامه‌ریزی شهری قرار گیرد. هدف ما این بوده که زمین تنها یک محل سکونت نباشد بلکه در آینده نیز به‌عنوان سرمایه‌ای پایدار برای ساکنان آن حفظ شود.

مدیر کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان: مقاوم‌سازی مسکن روستایی در استان زنجان جهش چشمگیر داشته‌است

هفت حوض –مدیر کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان زنجان با اشاره به روند رو به رشد مقاوم‌سازی مسکن‌های روستایی در استان، گفت: تاکنون حدود ۶۰ درصد واحدهای مسکونی روستایی مقاوم‌سازی شده‌اند و این روند با جدیت در حال پیش‌گیری است.

رضا خواجه‌ای روز جمعه ۲۲ فروردین در سخنرانی

پیش از خطبه‌ای این هفته نماز جمعه زنجان، اظهار کرد: ابتدای اجرای طرح اعطای تسهیلات وام‌مسکن تاکنون بیش از ۱۱ هزار واحد مسکن روستایی مقاوم‌سازی شده و در سال جاری نیز ساخت ۵۰۰۰ واحد جدید در دستور کار قرار داد. وی با اشاره به تسهیلات اعطایی در این حوزه، عنوان کرد: در سال گذشته بالغ بر ۳۵۰ میلیارد تومان تسهیلات با سود ۵ درصد و بازپرداخت ۲۰ ساله به روستاییان و ساکنان شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر جمعیت پرداخت شده‌است. همچنین سهمیه استان زنجان از این تسهیلات حدود ۵۰۰ میلیارد تومان بوده که با بایگسری‌های انجام‌شده به ۱۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته‌است.

خواجه‌ای افزود: بنیاد مسکن در همه شهرستان‌های استان شعبه دارد و فعالیت خود را بیش از ۲۰ سال پیش آغاز کرده است. در سال گذشته ۱۱۵۰۰ مورد تسهیلات پرداخت شده و حدود ۸۰۰۰ واحد به بهره‌برداری رسیده است. همچنین در سال جاری حدود ۵۵۰ میلیارد اعتبار برای ادامه این روند اختصاص یافته است. وی با بیان اینکه اولویت با مقاضیان ساکن در روستاها است، گفت: افراد دارای زمین که فرج «آنها سبز است و دچار مهاجرت معکوس شده‌اند، می‌توانند از تسهیلات ساخت مسکن استفاده کنند.مدیر کل بنیاد مسکن استان زنجان با اشاره به بهبودایمنی واحدهای مسکونی روستایی تصریح کرد:در گذشته نسبت به زلزله‌های بالای ۶ ریشتر نیز نگرانی اما اکنون حتی در زلزله‌های بالای ۶ ریشتر نیز نگرانی با بابت تلفات جانی بسیار کاهش یافته است. این موضوع نشان‌دهنده افزایش ضریب امنیت و تغییر چهره روستاها است. وی افزود وظیفه بنیاد مسکن، پرداخت تسهیلات در روستاها است و در شهرهایی نظیر ابهر، خرمدره و قیلاز، این مسئولیت بر عهده اداره راه و شهرسازی است، خواجه‌ای همچنین به توسعه زیرساخت‌های روستایی اشاره کرد و گفت: در تلاش هستیم تا نازع نعمت آسفالت در همه‌ی روستاها به‌رشد شویم.



بازنمای گفتمانی سخن‌معروف عین‌القضات در دهه‌ی هفتاد

«**جانمرد این شعرها را چون آیینه دان**»

سینا جهاندیده



گذشته‌ی زبان تبدیل به جزیره‌یی بی‌گذشته می‌شود. این چشم‌انداز، سبب می‌شود تا مونولوگی بکن ایکن و سنت شکل بگیرد مونولوگی که هر چیز از سنت را که به درد گفتمان می‌خورد به زمان اکنون می‌آورد. زیرا گفتمان‌ها برای مشروعیت خود نیاز به شاهدانی بزرگ دارند.

ادبیات و هنر دهه‌ی هفتاد می‌خواست هم متن‌هایی سیاست‌زاد خلق کند و هم به تکرر معناها دست یابد. از این رو با ایدئولوژی نسبی‌باوری، ایدئولوژی‌زدایی می‌کرد. و یا باسیاست پنهان از سیاست‌زدایی حرف می‌زد.

در این سال‌ها ناگهان متن کوتاهی از عین‌القضات همدانی وارد زبان روشنفکران شد. از آنجایی که این ایدئولوژی نسبی باوری به خاستگاه و سنت فکر نمی‌کرد متن از سنت راز هویت اصلی خود خالی کرد تا با هویتی دیگر پر کند. روشنفکر عامی چون تفکر شفاهی دارد هرگز سوال نکرده که این متن از کجا آمده است؟ چرا در عصر پریهاهوی بارت و دریدا و فوکو، عین‌القضات عارف و فیلسوف مسلمان شبیه این جماعت حرف می‌زند. حتی عدای پارافراتر گذاشتند گفتند ببینید در قرن ششم بزرگان ما از هر موتیک ادبی گفته‌اند. به جای این که به گذشته خود رجوع کنیم به حرف‌های تکراری فوکو و بارت و دریدا جسیبیده‌ایم!! فردوسی مادر قرن چهارم و پنج هجری گفت «توانا بود هر که دانا بود، فوکو بعد از هزار سال تازه فهمیده که دانش رابطه‌ی پیچیده با قدرت داردا جهل این روشنفکران شفاهی اجازه نداد بفهمند که خود نیز بی‌قاعدگی هر چیزی را که در آینده کشف شود حتی می‌توان در اسطوررها یافت،چرا که از شایع‌ترین رفتارهای مغز انسان در مواجهه با امر پیچیده،همین مقایسه‌های بی‌پایه است که به گونه‌ای ریداکشن و تقلیل‌گرایی ساده است. «توانا بود هر دانا بود»فردوسی هیچ ربطی به نظر‌هی فوکو ندارد. و اصلاً فوکو برعکس فردوسی در حال منتهم کردن دانش است تا دست‌انلودی دانش به قدرت را نشان دهد و همچنین به شکلی از قدرت دفاع می‌کند که آلودگی او مشروط است چرا که قدرت مولد است نه سرکوب‌گر. علم هرگز دچار جهش بی‌قاعده نمی‌شود. فردوسی نمی‌تواند چیزی را بگوید که لازم است هزار سال بر تجربه بشر افزوده شود تا کسی آن را کشف کند. و اصلاً اگر نیچه نبود فوکو چگونه نمی‌توانست فوکو باشد؟

در دهه‌ی هفتاد نظر‌پهی هرمنوتیک وارد ایران شد. بلک احمد جز اولین کسانی بود که از تاریخ هرمنوتیک در غرب گفت و اصلاً نام کتابش را «ساختار و تاولیل متن» گذاشت. در همین کتاب است که ناگهان متن کوتاه عین‌القضات آشکار می‌شود:
جانمرد این شعرها را چون آیین‌هان؛ آخر دانی که آیینه را صورتی نیست و خود ما هر که در او ننگ کند، صورت خود تواند دید. همچنین می‌دان که شعر را در خود هیچ معنی نیست؛ اما هر کس از او آن تواند دیدن که نقد روزگار او بود و کمال کار اوست و اگر گویی که معنی آن است که فایزش خواست، دیگران معنی دیگر وضع کنند؛از خود، این هم چندان است که کسی گویند صورت آیینه صورت روی صیقل است که اول آن صورت نمود. و این معنی را تحقیقی و غموضی هست که اگر در شرح آن آویزی از مقصود باز مانم(ابولمعالی عبدالله بن محمد همدانی، نامه‌های عین‌القضات، تصحیح علینقی منزوی و عقیف عسیران، ۱۳۶۲/ ۲۱۶، نامه ی بیست و پنجم.)
سولاتی که پیش می‌آید این است:چه‌چشمی به کمک‌بابک احمدی یا منتقدان این دوره آمد تا این متن عین‌القضات را ببینند؟ چرا تنها یک پاراگراف از این متن آمده است؟ چرا هیچ کس سؤال نکرد منظور عین‌القضات از «این شعرها» چیست؟ آیا منظور عین‌القضات از «این شعرها» بطور عام هر نوع شعر است؟ آیا منظور عین‌القضات تأکید بر نسبی‌گرایی و تکرر معنایی است؟ چطور ممکن است عین‌القضات پیش از نظر پیردازن هرمنوتیک ادبی،به‌چنین نظری‌های رسیده باشد؟ آیا کسی از بخشی که این متن در آن آمده است خبر دارد؟ یا به بندهای پیش و پس این بند، دقت شده است؟ آیا منظور از «آینه» در این نوشته عین‌القضات همان استعاره‌ی نسبی‌گرایی و تکرر‌گرایی است؟ یا نوعی اولیت معناست؟ آیا منظور از معنادر این نوشته همان معناگرایی هرمنوتیک ادبی است؟ پاسخ اکثر این سوال‌ها خیر است. متن عین‌القضات درباره‌معرفت‌شناسی، ادراک عقل، ایمان و اخلاص است. استعاره‌هایی که عین‌القضات در این متن به کار گرفته از هرمنوتیک عرفان می‌گوید. این متن هرگز مدعی معناگرایی نیست.**ادامه در ستون آگینه**

سرچشمه–نویسندهٔ زنجانی ومدرس کارگاه‌های داستان نویسی در استان گفت: با توجه به نوپایی فعالیت داستان‌نویسی در زنجان، قدم‌های خوبی در این حوزه برداشته شده است و انتظار می‌رود در آینده‌ای نزدیک (کمتر از یک‌دهه) آثار داستانی استان بیشتر دیده‌شود.

داستان‌نویسی نسبت به شعر که ریشه‌های عمیقی در این تاریخ جهان دارد هنری نو به شمار می‌رود. قصه‌ی داستان نویسی در این استان از دهه‌ی ۷۰ با فعالیت انگشت‌شمار چند تن از علاقه مندان و نویسندگان جان گرفت و روز به روز بر تعداد نویسندگان و فعالان داستان نویسی افزوده می‌شود به طوری که در چند سال اخیر آثار متعددی از نویسندگان زنجانی در ادبیات داستانی چاپ شده‌است.

امروز کارگاه‌های داستان‌نویسی در زنجان نسبت به گذشته رونق خوبی گرفته‌است و انتظار می‌رود حاصل فعالیت‌های آنها در چندسال آینده در سبهر

ادبیات داستانی استان و کشور خود را نشان بدهد و چراغ داستان و داستان نویسی در این دیار پر فروغ تر شود.

در خصوص وضعیت ادبیات داستانی در زنجان با اسلمان کریمی از نویسندگان و مدرسان کارگاه های داستان نویسی در استان به گفت و گو نشسته‌ایم:
جناب کریمی سلام، لطفاً در آغاز مصاحبه طبق عرف به معرفی خودتان بپردازید. از تاریخ تولد گرفته تا تحصیلات و شغل و آثار و فعالیت‌های ادبی.

اسلمان کریمی هستم متولد سوم دی ماه پنجاه و پنج در زنجان ابتدا مهندسی نرم‌افزار خواندم و چون اداری که در آن شاغل شدم، بیشتر طالب رشته‌های علوم انسانی بود بعدازاستخداملیسانس حقوق گرفتم، کارمندرسمی اداره ثبت اسناد و املاک هستم.

از سوابق هنری خود بگویید.

از سال ۱۳۶۸ شعر و داستان‌هایی برای خود می‌نوشتم و از سال ۱۳۷۸ هم‌کاری با حوزه هنری و اداره ارشاد را آغاز کردم. از سال ۱۳۷۹ مسئول جلسات داستان حوزه هنری استان و در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ از مؤسسين انجمن ادبی باز ایسته به حوزه هنری بوده و از سال ۱۳۸۴ علاوه بر حوزه هنری استان با انجمن های ادبی استان و ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و شهرستان‌های تابعه همکاری دارم.

بخش دیگری از سوابق هنری‌ام را می‌توانم اینگونه فهرست‌بندی کنم:عضو موسس ومدیر خانه‌داستان زنجان (در شرف تاسیس) – عضو موسس و اولین هیات مدیره خانه هنرمنان استان – عضو هیات مدیره ومدیر انجمن ادبی اشراق(۱۳۹۸–۱۳۹۵) –حییراجرای دهمین جشنواره شعر و قصه استان در سال ۱۳۹۷ –حقم سوم اولین جشنواره نویسندگانی که می‌توانست فوکو باشد؟

سرچشمه– درحالی که مالیات به‌عنوان یکی از منابع اصلی تأمین بودجه عمومی کشور مطرح می‌شود، بررسی آمارهای جدید منتشرشده از سوی اداره کل امور مالیاتی استان زنجان، حکایت از افزایش معنادار بازگشت منابع مالیاتی به سطح استان و به‌ویژه به شهرهای هاو دهیاری‌ها دارد، به گونه‌ای که در برخی شهرستان‌های کم‌برخوردار، نسبت پرداختی به دریافتی از مالیات، تا بیش از ۱۰ برابر رسیده‌است.

مالیات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی دولت، نقش بنیادین در تحقق عدالت اجتماعی، توسعه پایدار و کاهش وابستگی کشور به درآمدهای ناپایدار همچون فروش نفت دارد. از این رو، شفاف‌سازی درباره نحوه هزینه‌کرد مالیات در مناطق مختلف کشور، به‌ویژه استان‌ها و مناطق محروم، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند.با دریافت مالیات، امکان سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی مانند راه‌سازی، آبرسانی، توسعه شبکه برق و گاز، ساخت مدارس، بیمارستان‌ها و مراکز فرهنگی رافراهم می‌کند.در استان‌های کمتر برخوردار، این خدمات نقش کلیدی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان دارند.همچنین درآمدهای مالیاتی می‌تواند صرف حمایت از صنایع کوچک، تعاونی‌ها، کشاورزان و کارآفرینان بومی شود. این امر به رونق اقتصادی استان‌ها، کاهش مهاجرت به کلان‌شهرها و افزایش خودکفایی مناطق کمک می‌کند. با اجرای سیاست‌های باز توزیع عادلانه در آمد، دولت می‌تواند سهم بیشتری از درآمدهای مالیاتی را به مناطق محروم تخصیص دهد و به این ترتیب، فاصله توسعه‌یافتگی میان استان‌ها کاهش یابد.در این رابطه،مدیر کل امور مالیاتی استان زنجان به خبرنگار ایسنا می‌گوید: سال گذشته مجموع مالیات وصولی در زنجان معادل ۸۸۱/۵ میلیارد تومان بود، اما مبلغ پرداختی این اداره‌کل به شهرهای ها، دهیاری‌ها و حساب تمرکز وجوه استان بالغ بر ۲۱۶۰ میلیارد تومان بوده است. مهدی محمدی می‌افزاید: در شهرستان زنجان، با وجود دریافت حدود ۷/۵۳۹ میلیارد تومان مالیات از شهروندان،

شعر و قصه استان ۱۳۸۰ –حقام اول دومین جشنواره شعر و قصه استان ۱۳۸۲ –حاور دوره‌های سوم، چهارم، ششم و هفتم جشنواره شعر و قصه استان –حقام دوم نهمین جشنواره شعر و قصه استان ۱۳۹۴ –حاور چند جشنواره ادبی مشترک ارشاد و آموزش و پرورش و حوزه هنری و آموزش عالی نویسی در استان به گفت و گو نشسته‌ایم:
سبیح هنر منان استان–حاور جشنواره ادبیات داستانی سبیح استان و داور جایزه ادبی یوسف در بخش استانی –جزو منتخبین هفتمین دوره جایزه ادبی یوسف.

در عرصه‌ی تألیف نیز آثارم به این شرح است:

۱–یاز (مجموعه داستان – گروهی) ۱۳۷۸ حوزه هنری
۲–چگونه داستان کوتاه بنویسیم (آموزش اصول نوشتن داستان کوتاه)، سال۱۳۸۰، نیکان کتاب
۳– کله‌های سنگی (مجموعه داستان گروهی)، سال ۱۳۹۰، انتشارات سخن گستر
۴–مجموعه سه جلدی ترانه‌های «فی می» (قصه منظوم کودکان)، ۱۳۸۹، نیکان کتاب
۵– جرابم و مجازات‌های سردفتران رسمی در حقوق ایران،۱۳۹۲، انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی
۶–سوی باروت سوخته (مجموعه داستان گروهی)، سال۱۳۹۷، انتشارات سوره مهر

۷–مجاهدت‌های خاموش (نقش‌زمنندگان زنجان در پایان بخشیدن به غائله کردستان)، سال۱۳۹۶، انتشارات صریر
۸–سویاهای رنگی یک کور مادرزاد (رمان)، سال ۱۴۰۰، انتشارات صاد – بشکوج (رمان)، سال ۱۴۰۲، انتشارات سوره مهر
۱۰– زخم پاپیاز (رمان)، زیر چاپ، سوره مهر
در رشته یا رشته‌هایی که فعالیت دارید کیفیت آثار تولیدی استان زنجان را نسبت به کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟ نیاز امروز جامعه ادبی استان چیست؟

داستان زنجان سابقه‌ی زیادی ندارد و تنها نویسندگانی که قبل از دهه هفتاد می‌نوشت و آثاری از او به دستمان رسیده



روزهای روشن در انتظار داستان استان

گفتگو با سلمان کریمی، داستان‌نویس



مرحوم میر تقی‌فاضلی است که از قضای روزگار ایشان

نیز چون خفیر کارمند دستگاه قضا بودند و نسخه چاپی آثارشان البته موجود نیست، یا حداقل با توجه به گذشت بیش از نیم قرن در دسترس نیست.اولین جلسات منسجم و گروهی داستان‌نویسی در نیمه‌های دهه هفتاد در حوزه هنری تشکیل شد که بی شک زحمات بزرگانی چون حسین فتاحی، سعید افشار، مهران‌مر تضایی،محمدعلی خلمه پرست،امین سلطانی و علیرضا بازرگان که در سال ۷۹ و ۸۰ مسئول واحد ادبیات حوزه بود در شکل‌گیری نسل داستان‌نویسان زنجان غیر قابل انکار است. در دهه‌های هفتاد و هشتاد مآثری منتشرشده از داستان استان نداریم و در دهه نود با گسترش داستان‌نویسی استان به همت نسل‌های اول و دوم شاهد انتشار آثاری هستیم که

برای قدم اول زیاد هم بد نبودند.
دو مجموعه داستان گروهی «کله‌های سنگی» به همت محمدعلی خلمه پرست و ابوی باروت سوخته؛ با جمع آوری بنده در اولین و اواسط دهه نود منتشر شدند که گزیده‌ای از داستان‌های نسل‌های اول و دوم داستان استان بودند. به اینها اضافه کنید سه ترجمه عالی از

کارهای هاروکی موراکامی داستان نویسی ژاپنی (رمان‌های «شکار گوسفند وحشی» و «کافکار در کرانه» و مجموعه داستان «یدن دختر صددرصد دلخواه در صبح زیبای ماه آوریل») توسط محمود مرادی از داستان نویسان استان را که هر سه توسط نشر ثالث منتشر شده و باعث ایجاد انگیزه در داستان‌نویسان برای چاپ آثارشان شد. در اواخر دهه نود دو سال ابتدایی قرن جدید اما شاهد به گل نشستن تدریجی زحمات داستان‌نویسان استان هستیم با چاپ رمان «ماه عسل در تیمارستان» نوشته محمدعلی خلمه پرست، ارویاهای رنگی یک کور مادرزاد» و «بشکوج»



مالیات موتور توسعه‌ی محلی

بیش از ۱۰۶۷ میلیارد تومان به شهرهای ها و دهیاری‌های این شهرستان بازگشت داده شده‌است که نسبت پرداخت به دریافت را تقریباً دو برابر می‌کند. داده‌های جزئی‌تر نشان می‌دهد این باز توزیع منابع، نه تنها در سطح استان متعادل بوده، بلکه در بسیاری از مناطق محروم یا باظرفیت اقتصادی پایین‌تر، سهم دریافتی به‌عرابت بیشتر از میزان پرداختی شهروندان بوده است، موضوعی که می‌توان آن را نوعی عدالت مالیاتی در عمل تعبیر کرد.اما نکته قابل توجه در این آمارها، افزایش سهم شهرستان‌های کوچک و کم جمعیت تر است. در شهرستان ابهر، مالیات دریافتی ۳۱۳۳ میلیارد تومان بوده اما پرداختی به شهرهای ها و دهیاری‌ها ۳۰۸۸ میلیارد تومان، یعنی ۲۵ برابر است. در

خانبندنه نیز این نسبت به حدود پنج برابر رسیده و در ماه‌نشان، با دریافت تنها ۶۷ میلیارد تومان مالیات، رقم پرداختی ۸۰ میلیارد تومان بوده است که افزایشی ۵۱۰ برابری محسوب می‌شود. در ایجرود هم این نسبت ۱۱ برابر گزارش شده‌است.

نظام مالیاتی، هو تور توسعه محلی؟

این روند که در سایر شهرستان‌ها نیز تکرار شده، این پرسش را به ذهن می‌آورد که آیا نظام مالیاتی در ایران به یک ابزار جدی توسعه محلی تبدیل شده است؟ تحلیل داده‌ها و سیاست‌های اخیر سازمان امور مالیاتی کشور، از یک تغییر رویکرد خبر می‌دهد. یعنی استفاده از درآمدهای مالیاتی نه صرفاً برای جبران کسری بودجه، بلکه به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری عمومی برای تعدیل منطقه‌ای، کاهش نابرابری و تأمین عدالت توسعه‌ای.از سوی دیگر بازگشت چند برابری مالیات به مناطق ضعیف‌تر می‌تواند اعتماد اجتماعی نسبت به پرداخت مالیات را افزایش دهد، چراکه شهروندان شاهد اثر ملموس مشارکت مالی خود در بهبود زیرساخت‌های شهری و روستایی هستند. با وجود این آمارهای امیدوارکننده، هنوز بخش زیادی از افکار عمومی، مالیات را هزینه‌ی بازگشت می‌دانند. این در حالی است که شفاف‌سازی، اطلاع‌رسانی گسترده و ارائه گزارش‌های

نوشته بنده و رمان خوب،رقص آدمک‌های کاغذی» نوشته شاعر خوش ذوق و توانای است.مان‌سعیدتو کلی.

با توجه به برگزاری جلسات رمان‌نویسی به صورت کارگاهی و راهبری و حضور ۱۲ نفر از داستان‌نویسان استان در این کارگاه که در حوزه هنری برگزار می‌شود، باربرسی طرح‌های رسیده پس از سه ماه کار گروهی این انتظار را داریم که در پایان سال جاری بین ۶ الی ۸ رمان خوب از این مجموعه منتشرشود.

به نظر من با عنایت به نوپایی فعالیت داستان‌نویسی استان نسبت به شعر قدم‌های خوبی برداشته شده و من در آینده‌ای نزدیک (کمتر از یک دهه) به داستان‌نویسی استان خوش‌بین هستم و این انتظار را دارم که آثار داستانی استان بیشتر دیده شود. البته همه این سخنان در بحث رمان و داستان فارسی است

و در داستان ترکی با آثار چاپ شده‌ای که از آقای علی محمدبنیانی شاهد هستیم از جمله کار درخشان «سو ساتان‌لا» ایشان این امید شکل گرفته و داستان ترکی زنجان نیز همچون استان هم‌جوار خود ا ردیبل پای در راهی بزرگ گذاشته که رو به روشنی دارد.

نقد در فضای ادبی استان چه جایگاهی دارد و در این حوزه چه گام‌هایی می‌توان برداشت؟

ما در نقد هنوز راهی دراز داریم. این نه از عدم وجود یا عدم توانایی منتقدان استان که از تباط به فضای فعالیت ادبی استان دارد. نقد و معرفی به نظر من بیشترین تأثیر را در دیده شدن آثار دارد ولی ما در این چند دهه خیلی کم شاهدیم که تا کآری چاپ می‌شود دوستان نقدی بر آن نوشته و در فضای رسانه‌های رسمی یا مجازی منتشر کنند و نقدها بصورت شفاهی و منحصر به جلسات نقدی است که برای اثری خاص برگزار می‌شود. و این نیازمند همت دوستان در معرفی و نقد آثار سایرین است کاری که در تهران و سایر استانها اتفاق می‌افتد.

لطفاً از شاعران و نویسندگان استان، سه نفر را برای مصاحبه‌های بعدی، با ما معرفی کنید؟

اجازه بفرمایید من تعداد بیشتری از دوستان را معرفی کنم که به حق گذر از هیچ کدام میسر نیست. اساتید و دوستان بزرگوار:علیرضا بازرگان، هادی وحیدی، سعید توکلی، حسین نجاری، محمدعلی خلمه پرست، محمود مرادی، فاطیما آسیاتی، حامد رحمتی.

سؤالات ما تمام شد اما شما دو پایان هیچ آدابی و ترتیبی محو، هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو»

هیچ عرضی نیست و بیش از حد وقتتان را گرفت. عذر خواه‌اطاله کلام هست.



کنند که مالیات‌شان چقدر است و چه روندی برای رسیدن به این مبلغ طی شده است. به این ترتیب، افراد می‌توانند برنامهریزی مالی برای خودشان داشته‌باشند.

فرار مالیاتی؛ چالش جدی برای اقتصاد کشور

فرار مالیاتی یکی از چالش‌های اصلی نظام مالیاتی کشور است براساس گزارش‌ها در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۳۸ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در کشور ثبت شده که فقط ۱۰ درصد از آن توسط سازمان امور مالیاتی کشف و وصول شده‌است. به گفته کارشناسان در کشورهای توسعه یافته نظام مالیاتی بر پایه شفافیت و مشارکت عمومی بنا شده است. در این کشورها، مالیات‌ها به گونه‌ای طراحی شده اند که، برای همه اقشار جامعه عادلانه باشند. این نوع سیستم مالیاتی به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی کمک میکند و شهروندان را به پرداخت مالیات تشویق می‌کند.

اجرای سامانه مودیان و پایانه های فروشگاههای یکی از اقدامات مهم در راستای شفافیت مالیاتی در کشور است. این سامانه با هدف ثبت و رصد دقیق تراکنش‌های مالی و جلوگیری از فرار مالیاتی طراحی شده است با اجرای کامل این سامانه، انتظار که می‌رود نظام مالیاتی کشور به سمت شفافیت بیشتر حرکت کند. و اعتماد عمومی به آن افزایش یابد. مهدی طاهری تولیدکننده و کارآفرین زنجانی می‌گوید: پرداخت مالیات وظیفه‌ای ملی است که تأثیر مستقیمی بر توسعه زیرساخت‌ها و بهبود خدمات عمومی دارد. همین پول‌های ما اگر چه کم، باعث ساخت مدارس و بیمارستان‌هایی شده است که اطمینان‌خاطری برای آیندگان است. به عبارتی پرداخت مالیات بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان است.

باتوجه به آمارهایی توان نتیجه گرفت که پرداخت به‌موقع و صحیح مالیات می‌تواند نقش بسزایی در توسعه استان زنجان و بهبود خدمات عمومی داشته باشد، همچنین با اجرای سامانه‌های نوین مالیاتی و افزایش شفافیت می‌توان به کاهش فرار مالیاتی و افزایش اعتماد عمومی به نظام مالیاتی کشور امیدوار بود.



نقد و تفکر غیر ماجراجویانه‌ی

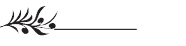
دانشگاهی

سینا جهاندیده

کتاب «زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی» لیونیس کوزر کتاب فوق‌العاده خوبی است.ماچنین کتابی از نویسندگان ایرانی نداریم که مابینچنین دقیق و تأثیر گذار زندگی اندیشمندان بزرگ را چنان تحلیل کند که مخاطب با دست پر به سمت آثارشان متغایل شود. شاید بتوان کتاب از صبا تا نیما آرتین پور را چنین عمیق یافت. اما اگر این کتاب را با کتاب «سیری در شعر فارسی» یا با کاروان حله زرین کوب مقایسه کنیم می‌بینیم واقعا استاندارین کوب نتوانسته کتاب شاهکار خلق کند.جز این که با ترکیب تاریخ و ادبیات اطلاعاتی به خوانند می‌دهد. و البته گاهی هم اشاره‌های ویژه و روان‌شناختی.

امروز دوباره، زندگی و اندیشه‌های دورکیم را از کتاب کوزر خواندم. اولین پاراگراف او درباره‌ی زندگی دورکیم، چنان حساب شده و دقیق بود که مرا به فکر واداشت تا درباره‌ی دو نوع متفکر بیشتر فکر کنم. اینکه متفکر دانشگاهی چه تفاوتی با متفکر غیردانشگاهی دارد و از چه زمانی این دو متفکر در مقابل یا در موازات هم حرکت کرده‌اند؟! اینکه جنگی که متفکر دانشگاهی دارد، جنگ درون دانشگاهی است و نمی‌توان آن را با جنگ‌های بر خردانه‌ی متفکر غیر دانشگاهی مقایسه کرد: زیرا عرصه‌اش بزرگتر و واقعی‌تر است. همانطور که دورکیم را نمی‌توان با مارکس مقایسه کرد.مقایسه کردن دکتر برانگی یادکتر شفیع‌ی شاید مقایسه‌ی نآرایی‌ری باشد. مخاطب برانگی دانشجو یان و استادان نیونند؛ مخاطب او شاعران و نویسندگاننی بودند که چشم دیدن او نداشتند. برانگی به زندان افتاد، تهدید و سانسور شد و سرانجام در غربت از دنیا رفت. اما استاد شفیع‌ی در میان زره شادگان وفادار دانشگاهی حرف می‌زند. به همین دلیل هر کسی به راحتی می‌تواند به برانگی دشنام دهد. اما جامعه‌ی مآحتی نقد تند بر استاد شفیع‌ی را بر نمی‌تابد. زندگی استاد شفیع‌ی حوادث تند زندگی دکتر برانگی را ندارد. به همین دلیل قلم این دونمی‌تواند شبیه به هم باشد. یکی از دل‌حاذنه بیرون آمده و دیگری در میان سراسراهی دانشگاهها تفکر کرده است. اکنون با این توضیحات خوب است خواننده پاراگراف اول کوزر را که درباره‌ی زندگی دورکیم نوشته است بخواند تا بیشتر به نکاتی که او درباره‌ی نسبت متفکر دانشگاهی و غیر دانشگاهی گفته است توجه کند.

امیل دورکیم، پایه‌ی‌عنوان نخستین جامعه‌شناس دانشگاهی کشور فرانسه به شمار آورد. اگر چه در امور اجتماعی فرانسه به سختی درگیر شده بود، اما سراسر زندگی‌اش تحت تأثیر کار دانشگاهی‌اش قرار داشت دورکیم به خاطر منزلت تثبیت شده دانشگاهی‌اش با جامعه‌شناسانی که پیش از این مورد بررسی ما قرار گرفته‌اند بسیار متفاوت بود و زندگی‌اش در مقایسه با زندگی آن‌ها چندان سرشار از حاذنه نبود. هر چند که خلق و خوی نامتعارف آن‌ها در تعیین مسیر غیرعادی زندگی‌شان نقش داشت اما این عامل را هم نمی‌توان ندیده گرفت که همگی جامعه‌شناسان پیشین تلاش می‌کردند تا برای موضوعی که هنوز در دانشگاه‌ها به رسمیت شناخته نشده بود، جایی باز کنند. آنان در کوشش‌های‌شان برای دفاع از مشروعیت علم نو پدید جامعه‌شناسی با موانع عظیمی روبرو شده بودند و همین خود تا اندازه‌ی زیادی بر شخصیت آن‌ها اثر گذاشته بود. اما امیل دورکیم و نظریه پردازان اجتماعی دیگری که در فصل‌های بعدی به آن‌ها خواهیم پرداخت، با یک رشته مقضیات دیگری روبرو بودند. اینان همگی مردان دانشگاهی بودند، اما همکاران‌شان هنوز آن‌ها را هم‌پانان ناخودآه‌ای می‌دانستند که می‌خواهند رشته‌ای را تدریس کنند که هنوز مشروعیت آن توجیه نشده بود. از این روی، راه برای اینان نیز چندان هموار نبود. با این همه، اینها در درون سراسراهی دانشگاهها برای تثبیت رشته‌ی علمی مورد ادعای‌شان مبارزه می‌کردند و نه در بیرون دانشگاهها؛ از همین روی، درگیری زندگی‌شان از پیشینان‌شان کمتر بود(لیونیس کوزر، زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه یحیی محسن ثلاثی؛ چاپ هفدهم، ۱۳۹۰، صص ۲۰۵–۲۰۴).



ادامه از ستون آب

منظور عین‌القضات از «این شعر» ها چند رباعی ذکر شده در بند پیشین است. اگر کسی به آن بند و همچنین به بندهای دیگر این فصل از نامه که به نامه بیست پنجم معروف است، نگاه کند خواهد دید که چگونه گفتمان معاصر، سخن عین‌القضات را مصداقه به مطلوب کرده است و چگونه بدون درک سخن عین‌القضات از کلام او برای خود مشروعیت دست و پا کرده است. چگونه در دهان عین‌القضات سخنانی گذاشته است تا علیه گفتمان شعر معناگرایی کلاسیک اقامه دلیل کند. چگونه خواسته‌اند ریشه‌ای برای معناگرایی‌ی شعر معاصر جستجو کنند. آیا این رفتار پارود کسیکال شعر معاصر نیست که برای توجیه معناگرایی خود تلاش معناگرایی‌انه می‌کند؟همه‌ی گفتمان‌هاین چنین در زبان سکنا می‌گزینند و اگر چند نفر هم بخواهند پرده افکنی و رازگشایی کنند گوش‌ی برای شنیدن این صداها نیست. ممکن است عدای بگویند عجب عجب! و سرانجام فراموشی گفتمانی ذهن‌شان را از این عجب عجب‌گویی‌های پاک خواهد کرد.



از خانه تا برند تجاری؛سامانه‌ای برای نجات تولید

از بن‌بست و ثابق ملکی

مشروطه—مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان زنجان گفت:

قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها که در سال ۱۴۰۳ به

تصویب رسیده است، با گسترش دامنه وثایق و راه‌اندازی سامانه‌جامع وثایق یکی از چالش‌های اصلی تولیدکنندگان را هدف قرار داده و می‌تواند تحولی جدی در نظام تأمین مالی کشور ایجاد کند.

به گزارش ایسنا، محمدرضا نادری، با بیان این‌که برای سال‌ها نظام بانکی ایران به وثایق ملکی مانند سند خانه یا زمین وابسته بود، اظهار کرد: این وابستگی ریشه در قوانین قدیمی دهه ۱۳۵۰ دارد که دارای‌های غیرمنقول را امن‌ترین تضمین مالی تلقی می‌کردند. با این حال، این رویکرد در عمل، مانعی بزرگ برای فعالان اقتصادی به‌ویژه در بخش صنعت و کشاورزی بودوی دامه داد: در سال‌های گذشته تلاش‌هایی برای رفع این مشکل صورت گرفت. از جمله در سال ۱۳۸۴، قانون «تسهیل اعطای تسهیلات بانکی» تصویب شد که هدف آن پذیرش وثایق متنوع‌تر بود اما به دلیل نبود زیرساخت متمرکز و مقاومت بانک‌های بنیادین، پیش‌نویس هم‌چنین طرح‌هایی مانند سامانه وثیقه‌گذاری الکترونیکی نیز مطرح شد اما به دلیل پراکندگی اطلاعات و ضعف هماهنگی، اجرایی نشدند.نادری با اشاره به شدت یافتن این مشکلات در دوران تحریم، تصریح کرد: تولیدکنندگان کوچک و متوسط (SMEs) که دارای‌هایی مانند ماشین‌آلات و موجودی انبار داشتند، عملاً امکان بهره‌مندی از تسهیلات بانکی را نداشتند.وی با بیان این‌که قانون جدید با نگاه‌ی واقع‌بینانه‌تر تدوین شده است، گفت: در قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها، دامنه وثایق به شکل بی‌سابقه‌ی گسترش یافته و در ماده ۷ این قانون، فهرستی از دارایی‌های قابل قبول برای وثیقه‌گذاری از جمله زمین کشاورزی، ماشین‌آلات، فلزات گرانبه‌ها، اوراق بهادار، برند تجاری، مالکیت فکری، پلانه نقدی و موجودی انبار آمده است.نادری افزود: براساس

ماده ۹ همین قانون، ایجاد سامانه جامع وثایق الزامی شده و اکنون این سامانه به‌صورت برخط، تمام اطلاعات وثایق را ثبت کرده و برای هر وثیقه، شناسه یکتا صادر می‌کند. او تأکید کرد: در صورت اجرای کامل این قانون، می‌توان به پایان یافتن وابستگی نظام بانکی به وثایق ملکی امیدوار بود و راه را برای رونق تولید هموار کرد.نادری با اشاره به ظرفیت‌های این قانون در حوزه کشاورزی، گفت: با توجه به این‌که بخش کشاورزی حدود ۲۰ درصد از اقتصاد کشور را شامل می‌شود، پذیرش زمین و موجودی انبار به‌عنوان وثیقه، می‌تواند گره بسیاری از کشاورزان را باز کند. مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان زنجان خاطر نشان کرد: سامانه جامع وثایق با شفاف‌سازی فرآیندها و دسترسی بانک‌ها به اطلاعات وثایق، می‌تواند فرآیند تأمین مالی را تسهیل کرده و بازی را به نفع تولیدکنندگان تغییر دهد.

تکواندو زنجان به دلیل نداشتن حامی مالی آسیب دیده است

مشروطه—رئیس هیات تکواندوی استان زنجان گفت: تکواندو استان به‌ویژه در بخش مردان به دلیل نداشتن حامی مالی آسیب دیده و دچار عقب ماندگی شده است.

به گزارش ایرناصغر محمدی فرود: تلاش می‌کنیم در سال جاری با جذب حامیان مالی، ضعف‌ها و آسیب‌های موجود را رفع کنیم. وی گفت: بخش کبوروگی (مبارزه) در بخش مردان را در سال جدید با جدیت بیشتری پیگیری خواهیم کرد تا شاهد رشد و شکوفایی این بخش باشیم.

محمدی با اشاره به ظرفیت های تکواندو بانوان استان، افزود: سال گذشته بانوان ورزشکار زنجان بر سکوی نخست لیگ پومسه سته یک بانوان کشور ایستادند و جام قهرمانی را بالای سر بردند و قطعاً این ظرفیت در بخش مردان نیز وجود دارد.این مسوول ورزشی استان ادامه داد: امسال دو تیم در رده های سنی نوجوانان و نونهالان استان در بخش کبوروگی خواهیم داشت که خود را برای حضور در رقابت های مختلف آماده می‌کنند.وی با اشاره به ناتمام ماندن مسابقات لیگ استانی ۱۴۰۳ به دلیل تقارن با ماه مبارک رمضان، اظهار داشت: ادامه مسابقات در این ماه برگزار خواهد شد.رئیس هیات تکواندوی استان زنجان یکی از برنامه های مهم هیات را در سال جاری گسترش مسابقات لیگ عنوان کرد و گفت: پارسانال این رخداد در دو بخش مردان و زنان در سطح بسیار خوبی برگزار شد و امسال نیز در سطح بالاتری برگزار خواهد شد.وی با بیان اینکه در این مسابقات شرکت کنندگانی از شهرهای میانه،سقرو و سنندج نیز حضور یافتند، گفت: خروجی برگزاری لیگ استانی در سال گذشته موجب شد ۱۶ پسر و هشت دختر در رده های سنی نونهالان و خردسالان به اردوی انتخابی تیم ملی راه یابند.رئیس هیات تکواندوی استان زنجان با بیان اینکه این رخداد اتفاق بسیار خوبی برای تکواندوی استان محسوب می‌شود، خاطر نشان کرد: تکواندوکاران زنجانیت پروان و با انگیزه قوی در مسیر رشد و توسعه قرار دارند و امیدواریم در مسابقات ملی و بین‌المللی عنوانین مختلفی برای استان و کشور به ارمغان آورند.

مشروطه—باشنگلو روزنامه‌نگاران ایران خدrameای ویژه‌امی نوزوی خود، ۱۰سئوال را با روزنامه‌نگاران و پیشکسوتان این حرفه در میان گذاشته است و از آنها درباره تجربیات و نگرانی‌هایشان نیز سیدمست محمدمهاجری روزنامه‌نگار صاحب‌نام به پرسش‌های ما پاسخ داده است که آن را در ادامه می‌خوانید:

امسال آثار کدام روزنامه‌نگار برای شما جالب توجه بود و آن را دنبال کردید؟

قطعاً روزنامه‌نگاران موثری داریم که هم هم آثارشان را می‌خوانند و هم درون نظام تأثیر گذارند. من تحقیقا همه مطالب آقایان شریعتمناری وعباس عبدی را می‌خوانم. **می‌گویند روزنامه‌نگاری حرفه‌ی سختی است و امنیت آن بسیار متزلزل است. به نظر شما آیا این سختی هاباعث قوی تر شدن روزنامه‌نگاران می‌شود؟**

اگر هم سخت باشد برای من که حالا در اواخر راه هستم سخت نیست. شاید هم عدلی شده فشارهای سیاسی و شاید قضایی گاهی کار را سخت می‌کند. اما از یک‌سو به آنها عادت کرده‌ام و از سویی این برآم سخت‌تر است که شهروندی در خیابان و مترو و اتوبوس و میدان تره‌بار به‌خاطر ننوشتن در باره موضوعی که نیاز جامعه است استیضاح‌کنند.

با فساد نمی‌توان به جنگ فساد رفت

ادامه‌ی پاسخ‌های محمد مهاجری به پرسش‌های باشگاه روزنامه‌نگاران را بخوانید

ارزیابی شما از سال پیش رو چیست؟

پاسخ‌م از جنس آرزوست. سال ۱۴۰۳ رخ داده‌های متعددی در داخل و خارج ایران به وقوع پیوست که انتظار هیچ کدامش را نداشتم.

ترور اسماعیل هنیه در تهران، سقوط هلیکوپتر شهید رئیسی، حمله بسیار وحشیانه اسرائیل به غزه و لبنان و شهادت رهبران حماس و حزب‌الله، درگیری نظامی ایران و رژیم صهیونیستی، رأی آوردن ترامپ و… بخشی از این اتفاقات‌اند. این حوادث صرف‌نظر از آثارش، سال گذشته را از اتفاقات ۳۰–۴۰ سال گذشته متمایز کرد.

این تمایز به این نکته بازمی‌گردد که با واقعیت‌هایی مواجه شدیم که حتی حدس زدن آنها ممکن نبود. سال ۱۴۰۴ به همین دلیل، سال محاسبات واقعی‌تر است و مسئولان کشور، به دور از شعارهایی که شاید برخی از آنها و هم‌انگیز بود، یا به‌عرصه سیاست و اقتصاد و مسائل اجتماعی می‌گذرند.

این واقع‌بینی گام بسیار بزرگی است که به جلو برداشته می‌شود و منجر به تصمیمات عملیاتی خواهد شد. تصمیماتی که ریشه در محاسبات زمینی و غیراتوپایی خواهد داشت.

به‌طور دقیق‌تر می‌توان گفت حفظ زندگی و معیشت جامعه و نگهدایی از سطح قابل قبولی از رضایت شهروندان (به مناسبر ما به اجتماع مورديان) به‌نقطه‌کانونی تصمیمات تبدیل خواهد شد. معنای این سخن آن نیست که همه مشکلات در کوتاه‌مدت رفع می‌شود.

منظور این است که امسال سنگ‌بنایی برای آینده گذاشته خواهد شد. که با گذشته متفاوت است.

چه موضوعی شما را نگران می‌کند و چه موضوعی به شما اطمینان خاطر می‌دهد؟

اگر بخواهم سیاسی جواب بدهم باید بگویم بزرگترین نگرانی ادامه‌تارازی‌هاست.

منظورم تارازی آب و برق و گاز و بنزین نیست که اینها هم نگران کننده‌اند. منظورم تارازی سیاسی است. یعنی مسئولان کشور در مجلس و شورای نگهبان و مجمع تشخیص و دولت و شورای انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی در تراز ملت ایران نیستند.

آنچه به‌من اطمینان خاطر می‌دهد این‌که هنوز در صد قابل اعتنایی از مردم به پیام‌های مثبت سیاست و آکنش مثبت نشان می‌دهند. مثل انتخابات ریاست‌جمهوری که منجر به انتخاب پی‌شکین‌شد.

دو دیدگاه درباره‌ی امر روزنامه‌نگاری وجود دارد. برخی معتقدند من روزنامه‌نگاران باید حقیقت را گزارش کنند و برخی معتقدند دیدگاه خود ماجرا را تفسیر کنند. شما قائل به کدام دیدگاه هستید؟

همیشه این را رعایت کرده‌ام و به دوستان جوان همکار تأکید کرده‌ام که هرچه می‌خواهید بنویسید فقط دروغ در کارتان نباشد. دروغ آفت حرفه‌ی ماست، البته نوشتن نیمی از حقیقت هم همان دروغ است.

اگر روزنامه‌نگار جز واقعیت نگوید، هر خطای دیگری را می‌توان بر او بخشید. به نظر من اخلاق روزنامه‌نگاری اساسش راست‌گویی است.

آیا روزنامه‌نگاری می‌تواند بی طرف باشد؟

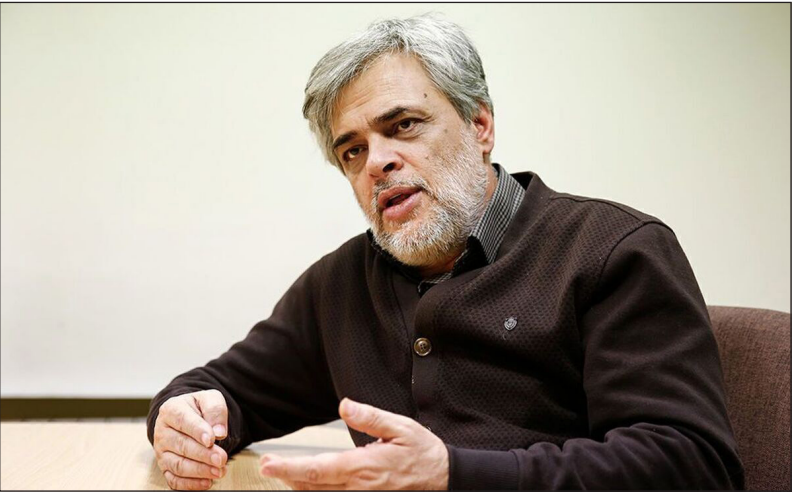
بی‌طرفی فقط افسانه‌است. اما اوصاف افسانه نیست. اگر هنگام نقد اشتباهات خودی‌ها را ببینیم یا کوچک ببینیم و از آن طرف اشتباه کسانی را که نگاه‌شان را نمی‌پسندیم بزرگ کنیم خیلی زود سقوط می‌کنیم.

این سال‌ها با وجهی از روزنامه‌نگاری روبرو بوده‌ایم که تابلوی آن مبارزه با فساد است. به نظر شما این نوع روزنامه‌نگاری، توانست اعتماد عمومی را جلب کند؟ مبارزه با فساد لزوماً افشاکری نیست. افشاکری‌های

مشروطه

سال متفاوتی پیش رو داریم

گفتگو با روزنامه‌نگاران



بی‌محابا گاهی خودش فساد است. با فساد نمی‌توان به

جنگ فساد رفت. آنچه راهبرد درست است شفافیت است. شفافیت دقیقاً ضدافشاگری است. افشاکری انتها ندارد و معمولاً به بی‌اخلاقی می‌شود.

با این حال گمان می‌کنم بزرگان روزنامه‌نگاری کشور باید با مشارکت قوه قضاییه و دستگاه‌های نظارتی سمیناری تشکیل دهند. و این موضوع را به بحث بگذارند.

اینکه عدلی از افشاکری دکان دونیش باز کنند باعث بی‌اعتمادی جامعه به روزنامه‌نگاران می‌شود.

در جامعه‌ی پر از ناامیدی، روزنامه‌نگاران چگونه نمی‌توانند امیدآفرین باشند؟

روزنامه‌نگاری شغلی است که با امید زنده است. به نظر من کسی که همیشه آیه یاس می‌خواند جایش در این حرفه نیست. ما حتی اگر خودمان ناامید باشیم نباید آن را به جامعه پیمپاز کنیم. آتش‌نشان‌ها حتی در حریق‌های سهمگین، نجات یک‌فردهم برای‌شان ذیابایی از امیداست.

معنای زندگی تان را از کجایم گیرید؟

این یک سوال فلسفی است و پاسخ آن به اعتقادات ما برمی‌گردد. طبیعتاً من به عنوان یک آدم مذهبی معتقد، معنای زندگی‌ام را در معنویات می‌دانم. به‌حافظ اجتماعی هم زندگی‌ام با صداقت و صراحت و صمیمیت معنا پیدا می‌کند

بگذارید این سوال‌ها و جواب‌های نجس را با جمله‌ای تمام کنم که لاف‌ل به خودم می‌چسبد. ما وقتی جوان هستیم برای زندگی کردن دنبال هدفیم و وقتی به سن بالاتر می‌رسیم برای زندگی دنبال بهانه‌ایم. بهانه‌های زندگی من نوه‌ایم هستند در واقع با آن‌هاست که زندگی‌ام معنا پیدا می‌کند!

وارد مرحله پنهالی شده‌ایم



پاسخ‌های مهناس عباس عبدی روزنامه‌نگار صاحب‌نام و تحلیل‌گر سیاسی به پرسش‌های باشگاه روزنامه‌نگاران را در ادامه بخوانید:

ارزیابی شما از سال پیش رو چیست؟

وقت قانونی این بازی حذفی تمام شده و امسال وارد پنهالی‌ها شده‌ایم. یا می‌رویم به مرحله بالاتر یا حذف می‌شویم.

چه موضوعی شما را نگران می‌کند و چه موضوعی به شما اطمینان خاطر می‌دهد؟

نگرانی از آینده ایران و حذف‌در این مرحله اطمینان خاطر درست نیست بجای آن باید از امیدواری پرسید. امیدارم به این‌که رهبران سیاسی این ظرفیت را دارند تا در شرایط سخت، عینیت را بر ذهنیت و منافع بلندمدت عموم مردم را ولویت دهند.

امسال آثار و کارهای کدام روزنامه‌نگار برای شما



این محیط، اعم از خانواده یا شهر یا کشور و جهان داشته باشد.

مصائب خطوط قرمز سیال

پاسخ‌های هادی حیدری کارتون‌نست صاحب‌نام را به

پرسش‌های باشگاه روزنامه‌نگاران ایران در ادامه می‌خوانید:

اگر قرار بود فقط یک کاریکتور از سال آینده بکشید، چه موضوعی با شخصیتی را انتخاب می‌کردید؟

موضوع سقوط ارزش پول ملی و فقر روزافزون مردم، دو قطبی میان مردم و شکاف ملت—حاکمیت که چشم‌انداز آینده ایران را بیش از پیش غبارآلود کرده است.

چگونه‌از تضادهای تناقض‌های اجتماعی در کارهایتان استفاده می‌کنید؟

یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که کارتون‌نست‌ها به‌ایده می‌رسند، کشف تضادهای در موضوعات مختلف است. به‌طورمثال

وقتی حاکمیت‌ساست‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی رافیلتر می‌کنند هم‌زمان با آخرین مسئولین کشور در همان شبکه‌ها دارای حساب کاربری فعال هستند؛ زمانی که شعار مرگ بر آمریکایم دهند و خودشان و یا خانواده‌شان، گوشی‌های آیفون در دست می‌گیرند و یا برای ادامه تحصیل یا اقامت به آمریکا سفر می‌کنند، همین دیدن و یا کشف تضادهای به اندازه کافی تصویر طنزآمیز به‌دست یک کارتون‌نست می‌دهد تا طرحی خلق کند.

کدام یک‌س‌ان تراست: کشیدن کاریکتوری که باعث بلخند

شود یا کاریکاتوری که جامعه را به فکر فروبرد؟ چرا؟

هر دو نوع سخت است. خنداندن مردمی که هوش سرشار برای ساختن مطالبه‌های روزانه با هر موضوعی دارند، بسیار سخت است؛ اما اگر کاریکتوری را خلق کنی که هم‌زمان بتواند مخاطب را بخنداند و تلنگری برای اندیشیدن به او بزند، سخت‌تر به نظر می‌رسد.

آیا تا به حال پیش آمده که یکی از کارهای شما واکنشی شدید برانگیزد؟ چه حسی داشتید؟

بله مخاطبان مطبوعات احتمالاً کاریکتور من با عنوان «چشم‌پنهان» را به‌خاطر دلزنه که با سوء برداشت و

سیاسی‌کاری جریان تندرو تبدیل به یک غائله شد و در پی آن روزنامه شرف توقیف موقت، مدیرمسئول محترم آن برای چند شب بازداشت شد و بری من نیز به‌بهانه آن، پرونده‌ای قطور تشکیل دادند که پس از دادگاهی یک‌ریعه برای قاضی مقیسه به یک سال حبس تعزیری محکوم شدم و در سال نود و چهار به زندان رفتم.

احساس یک قربانی را داشتم. برنام بسیار خنده‌دار بود که در جهان امروز، فردی را به جرم کشیدن کاریکتور به زندان بیندازند!

فکر می‌کنید کاریکتورها می‌توانند باعث تغییر در رفتارهای اجتماعی شوند؟ اگر بله، چگونه؟

کاریکتورها از جمله رسانه‌هایی هستند که در حد خود توان تأثیر بر رفتار اجتماعی جامعه را دارند. البته تأثیرشان بسیار کمتر از مدیوم‌هایی چون سینما و موسیقی است؛ اما به دلیل ایجاز و استفاده از طنز، تصویری، گاهی تأثیراتی فراتر از انتظار می‌گذارند. روح کاریکتور، نقد است و هر جا که کاستی و ایرادی شکل می‌گیرد، کاریکتور می‌تواند یک هنر حاضر در صحنه باشد.

اگر روزی مجبور شوید تنها یک رنگ برای تمام کاریکتورهایتان استفاده کنید، کدام رنگ را انتخاب می‌کنید و چرا؟

رنگ قرمز را انتخاب می‌کنم. به دلیل ضربه‌ای که در نگاه اول به چشم مخاطب می‌زند و در کنار فضای تیره‌ی خطوط سفیدی، کافند، تضادبصری تأثیرگذاری را ایجاد می‌کند.

سخت‌ترین سوز‌های که برای کشیدن کاریکتور با آن روبرو شده‌اید، چه بوده است؟

سوز‌هایی بوده که در بحران‌های سیاسی باید می‌کشیدم. از یک طرف با انبوهی از خطوط قرمز سیال مواجه بودم، از طرفی با فضای امنیتی و از سویی با وجود تم درگیر بودم که مرا مجاب به واکنش نسبت به آن موضوعات می‌کرد.

چه موضوعی در سال جدید شما را نگران می‌کند و چه موضوعی به شما اطمینان خاطر می‌دهد؟

نگرانی از فروپاشی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برایم بسیار جدی است. شرایط کشور، بسیار نگران‌کننده است و آرزوی من کتم قوهی عاقله‌ای، مسیر پیش‌رو را به سمت آرامش و ثبات ببرد. در شرایط حاضر، نسبت به هیچ موضوعی اطمینان خاطر ندارم!

در جامعه‌ی پر از ناامیدی، شما به عنوان یک ارتیست چگونه نمی‌توانید امیدآفرین باشید؟

معمولاً چیزی که در شرایط ناامیدی، نجات‌دهنده است، «هنر» است. از طرفی رجوع به تاریخ و مطالعه آن تاریخ به ما نشان می‌دهد که شرایطی مشابه با آن‌چه تجربه می‌کنیم در ایران و جهان وجود داشته اما این وضعیت، دیر یا و ثابت نخواهد بود. آن‌چه امیدبخش است، گذرآلودن چنین وضعیتی است. امیدوارم تاب‌آوری بیش‌تری بیابا کنیم و با رفتارهای هیجانی، تاریخ را تکرار نکنیم و برای درآمدن از چاله، خود را به چاه بندازیم.

معنای زندگی تان را از کجایم گیرید؟

معنای زندگی را از منابع مختلف می‌گیرم از «هنر» که بسیار الهامبخش است تا تاریخ و لسان‌های موثر تاریخی یا افرادی که در زندگی‌ام، منبع الهام بوده‌اند. از آن‌هایی که شکست‌ها، سبب خردشدنشان نشده است. از آدم‌هایی که برای پیچیدگی‌های زندگی و برای حل مسائل، راه‌حل‌های متنوع و گوناگون دارند. از کودکان و از «طبیعت» که همیشه راه‌نماست.

موج‌پیدازی



فرصت مذاکره را غنیمت شمريم

اسدالله درویش امیری



بیش از چهل و پنج سال است که چالش‌های جدی میان دولت‌های ایران و آمریکا، سایه‌ای سنگین بر فضای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مناسبات بین‌المللی دو کشور افکنده است. باید از غان کنیم

که این روابط پر تنش، تأثیر

عمیقی بر زندگی مردم ایران از هر قشر و طبقه‌ای گذاشته

است. به هر دلیل و با هر پیش‌زمینه‌ای، اکنون پس از

چهار دهه، قرار است دو کشور بدون واسطه به گفت‌وگو

بنشینند. در این میان، تندر و‌های افراطی، کاسبان تحریم،

اپوزیسیون قدرت طلب، خارج‌نشین، و البته رژیم

صهیونیستی با پمپاژ شایعات، دروغ‌رذازی و یادآوری

سیاست‌های گذشته، در تلاشند تا روند مذاکرات را

تخریب کرده و دولت و حاکمیت را تضعیف کنند.

به باور اینجانب، اکنون که روزنه‌ی هر چند محدود—

برای گفت‌وگو میان ایران و آمریکا گشوده شده، باید از

این تصمیم مهم، حمایت و با آن، همراهی کرد. اوضاع،

آشوبناک است و پر از خطر؛ پس بهتر است نقد گذشته و

حال را فعلاً به کناری بگذاریم و این حرکت را نشانه‌ی

از شجاعت و تدبیر تصمیم‌گیران برای عبور از بحران‌های

پیش رو بدانیم.

از آنجا که نتایج‌ها و پیام‌هاوش، خواهان شکست

مذاکرات‌اند، طبیعی است که از هیچ تلاشی در این مسیر

برای شبهه‌افکنی، بن‌بست‌سازی و به شکست کشاندن

مذاکرات، فروگذار نخواهد کرد. آنان خواهند کوشید

فضای داخلی را ملتهب کنند، ذهن‌ها را آشوش سازند،

و در عرصه‌ی خارجی نیز همه مخالفان را بسیج نمایند

تا مانع از به ثمر رسیدن مذاکراتی شوند که می‌تواند به

نفع ملت ایران تمام شود. متفانه‌ها عدل‌های هم در داخل،

همان سخنانی را بر زبان می‌رانند که نتایج‌ها و تابعان

کیش جنگ طلبش دنبال می‌کند. از این رو، هر شهروند

ایرانی، در هر نقطه‌ای از جهان، اگر دل در گرو سربلندی

ایران دارد، باید یک‌صد از این اقدام حمایت کند. چرا که:

اولاً، برای نقد گذشته فرصت بسیار است، ثانیاً، مخالفان

مذاکره، تمام تلاش خود را برای شکست آن به کار

خواهند بست، ثالثاً، برخی تصمیمات، قائم به شنص

است، همان‌گونه که اگر امام خمینی (ره) پایان جنگ را

رقم‌نمی‌زد، شاید همچنان درگیر جنگ با عراق بودیم. در

نهایت این را با عمق وجود باور کنیم که فرصت محدود

پیش رو، فرصتی تاریخی برای گذار آرام از مسیر پر تنش

و سنگلاخی کنونی است و مشخص نیست که چنین

فرصتی مجدداً در آستانه‌ی افق ما چهره بگشاید.

دبیر اجرایی خانه کارگر استان زنجان:

تکمیل ساختمان خانه کارگر زنجان

نیز منمذ ۲۰۰ میلیون ریال اعتبار است

مشروطه—دبیر اجرایی خانه کارگر استان زنجان گفت:

احداث ساختمان جدید خانه کارگر زنجان در شرایط

فعلی نیازمند بیش از ۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار است.

به گزارش ایرنا، اصغر تجاری روز دوشنبه در نشست

با مدیرکل تأمین اجتماعی استان با تأکید بر تعامل و

مساعادت بیش از پیش مسئولین برای تکمیل ساختمان

این ساختمان شرایط جدید و مطلوبی برای اعضای خانه

کارگر استان به وجود خواهد آمد.

وی ادامه داد: شعبه خانه کارگر از سال ۱۳۷۶ در زنجان

فعالیتش را آغاز کرده ولی با توجه به عقب ماندگی‌ها،

ساختمان خانه کارگر قدیمی زنجان به هیچ‌وجه در شان

و منزلت کارگران استان نیست.

نجاری با بیان اهمیت مساعادت مسئولان استان در راستای

احداث به موقع و بهره‌برداری از ساختمان جدید خانه

کارگر، گفت: تنگ‌نظری در این زمینه باعث عقب‌ماندگی،

کم‌رنگ شدن عمل به مسئولیت‌ها و مسئولیت‌پذیری

اجتماعی شده است.

وی به نبود زیرساخت‌های لازم رفاهی برای جامعه

کارگری استان در مقایسه با استان‌های دیگر اشاره کرد و

گفت: در استان زنجان رونق و توسعه اقتصادی و ایجاد

انگیزه برای کارگران و کارشناسان لازم و ضروری است.

دبیر اجرایی خانه کارگر استان زنجان به اهمیت تسهیل

در توزیع و فروش اقلام ضروری و مایحتاج برای جامعه

کارگری در خانه کارگر، افزود: خانه کارگر زنجان بیش از

۲۲ هزار و ۵۰۰ عضو دارد.

نجاری در بخش دیگری از سخنان خود به تولید بی‌محابا

و بدون محدودیت در صنعت روی اشاره کرد و گفت:

در سال‌های اخیر هیچ صنعت دیگری به جز صنایع روی

در زنجان مستقر نشده است و با تلمبار شدن یک‌یک‌ها

و پسماندهای سرب و روی در زنجان، شاهد تخریب

زیست‌محیطی و آلودگی هستیم.



تقاطع ساختار، قدرت و اراده انسانی

تحلیل جامعه‌شناختی روابط ایران و آمریکا و قابلیت‌های ناشناخته‌ی آن

سید هادی علویون

سیاست‌خارجی آمریکا نسبت به ایران، در نگاه نخست، محصول بازی قدرت‌ها، لابی‌ها و منافع امنیتی و اقتصادی بنظر می‌رسد.

اما وقتی با دید جامعه‌شناسانه و انسان‌محور به آن بنگریم، درمی‌یابیم که این رابطه صرفاً یک بازی از پیش تعیین شده نیست.

تئوری ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، چشم‌اندازی نو ارائه می‌دهد که هم نقش ساختارهای تحمیلی و هم توان عاملیت انسانی را در شکل‌گیری تحولات سیاسی لحاظ می‌کند.

۱. دو نگاه به روابط بین‌الملل: ساختار یا کنشگر؟

تحلیل‌گران روابط بین‌الملل معمولاً به دو گروه تقسیم می‌شوند:

ساختارگرایان مثل اماتونل والرشتاین، که جهان را به سه بخش «مرکز»، «نیمهم‌پیرامون» و «پیرامون» تقسیم می‌کنند.

در این نگاه، جایگاه کشورها در سیستم جهانی، روابط آن‌ها را تعیین می‌کند.

آمریکا به‌عنوان قدرت مرکزی، در پی حفظ سلطه‌ی خود است.

واقع‌گرایان ساختاری مانند جان‌مر شایمر و استفان‌ولت، معتقدند کشورها برای بقا در فضای بی‌نظم بین‌المللی، به ائتلاف‌هایی مانند لابی اسرائیل (AIPAC) تکیه می‌کنند.

از این منظر، حمایت آمریکا از اسرائیل، نه از سر دوستی بلکه یک ابزار راهبردی برای مهار قدرت منطقه‌ای ایران است.

شاهدعینی:

انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم، خروج از برجام، و به‌رسمیت شناختن بلندی‌های جولان، همگی نشانگر نفوذ مؤثر اسرائیل بر سیاست آمریکا در دوران ترامپ هستند.

۲. موعودگرایی و دین در سیاست: اعتقاد یا ابزار؟

برخی گروه‌ها مثل مسیحیان‌صهیونیست، حمایت‌از اسرائیل را بخشی از تحقق پیش‌گویی‌های مذهبی آخرالزمانی می‌دند.

رؤسای جمهوری مانند ریگان، بوش و دونالد ترامپ نیز در سخنان خود به این باورها اشاره کرده‌اند. اما واقعیت آن است که بسیاری از سیاستمداران آمریکایی، از این باورها برای جلب حمایت داخلی استفاده می‌کنند، نه لزوماً از روی ایمان دینی.

باور مذهبی در اینجا بجز ابزاری برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی و انتخاباتی تبدیل شده‌است.

۳. عاملیت انسانی در دل ساختارهای سخت: «مید» به تغییر در ظاهر، تحریم‌ها، لابی‌ها و تهدیدهای نظامی، روابط ایران و آمریکا را اقل کرده‌اند.

اما نظریه گیدنز می‌گوید: ساختارها تنها محدودکننده نیستند بلکه فرصت‌ساز نیز هستند. اگر انسان‌ها «عاملیت» داشته‌باشند.

مثال روشن: پس از دوران ترامپ و سیاست «فشار حداکثری» دولت بایدن، زمین‌های برای گفت‌وگو و تعامل دوباره با ایران ایجاد کرد.

میانجی‌گری عمان، یا تلاش برخی نخبگان دو طرف برای باز کردن مسیرهای دیپلماتیک، نشانه‌هایی از همین اراده انسانی در دل ساختارهای سخت‌است.

۴. چهار پیشنهاد برای گشودن افق تازه (در چارچوب نظریه گیدنز)

حتی در دل ساختارهای بسته هم می‌توان دست به کنش زد. راهکارهایی که گیدنز الهام می‌دهد:

دیپلماسی چندلایه

ارتباطات علمی، فرهنگی و اقتصادی در کنار مذاکرات رسمی، دیواری اعتمادی را می‌فرساید.

میلنجی‌گری هوشمندانه

کشورهایی چون عمان یا سوئیس می‌توانند فضا را از تنش به گفت‌وگو تغییر دهند.

بازتعریف منافع مشترک

مسائلی مانند مبارزه با تروریسم، ثبات خلیج فارس، کنترل مواد مخدر و بحران محیط‌زیست می‌تواند بستر همکاری باشد.

تغییر روایت رسانه‌ای:

باید زبان تهدید به زبان منافع مشترک و گفت‌وگو تبدیل شود.

نخبگان رسانه‌ای و سیاسی می‌توانند فضای گفت‌وگویی تازه‌ای بسازند.

جمع‌بندی: امید به عبور ازین بست

روابط ایران و آمریکا هر چند درگیر ساختارهای تنش‌زا هستند، اما با عاملیت انسانی هوشمند، روایت‌ها قابل تغییرند. راهبازشدنی‌اند.

اگر نخبگان، سیاست‌مداران و ملت‌ها از فرصت‌ها استفاده کنند

به‌جای تکرار خصومت، می‌توانند فصلی نو از تعامل، همکاری و هم‌فهمی را آغاز کنند. فصلی که به نفع دو ملت، منطقه و حتی جهان خواهد بود. به امید آن روز.

وقایع اتفاقیه—باشگاه روزنامه‌نگاران ایران، با طرح ده سؤال از اساتید و روزنامه‌نگاران از آن‌ها خواسته تا به این سئوالات پاسخ دهد. پاسخ‌های استاد فریدون صدیقی، روزنامه‌نگار صاحب‌نام و مدرس دانش‌گه به‌پرسش‌های باشگاه روزنامه‌نگاران ایران را در ادامه بخوانید:

نامیدترین قشر جامعه روزنامه‌نگاران هستند

ارزایی شما از سال پیش رو چیست؟

همچنان غیره منتظره و غریز قابل پیش‌بینی و متاسفانه عموماً با رنگ و معنای تلخی همراه است. آیا چنین نخواهد بود؟

چه موضوعی شما را نگران می‌کند و چه موضوعی به‌شما اطمینان خاطر می‌دهد؟

متاسفم. موضوعات همواره با آزار و آزدگی همراه است. مثل بحران‌ها و خرده‌بحران‌های پیش‌رو. روز نمی‌امیدواری در ارتقا اعتلای درک و فهم عمومی جامعه‌است.

اسسال آثار کدام روزنامه‌نگار برای شما جالب توجه بود و آن را دنبال کردید؟

دکتر بهزادی، هوشنگ گل‌مکانی، آرش خوشخو و البته چندین ستاره جوان و پرتالو.

می‌گویند روزنامه‌نگاری حرفه‌ی سختی است و امنیت آن بسیار متزلزل است. به نظر شما آیا این سختی‌ها باعث قوی‌تر شدن روزنامه‌نگاران می‌شود؟

تا قریب ده‌سال پیش براین باور بودم روزنامه‌نگاران ما امنیت شغلی ندارند. اما حرفه‌ای‌ها امنیت حرفه‌ای دارند یعنی بروند رفت از رسانه‌ها یا هر دلیل جای‌نگرانی نبود به‌خاطر حرفه‌ای بودن به‌سرعت به رسانه دیگری می‌پیوستند اما دریغ آن که سال‌هاست رسانه‌های برای جایجایی نمانده است! یعنی اهمیت شغلی و امنیت حرفه‌ای باهم از بین رفته است. نگاه کنید به جمعیت انبوهی از همکاران که کار دگر می‌کنند.

نم‌راست این است هیچ روزنامه‌نگاری که از روزنامه نویسی جلا مانده، قوی‌تر نشده است آنان زنان و مردان بلند همتی هستند که به بودن و نه لزوماً چگونه بودن احترام می‌گذارند. یادشان همیشه با استیاض من همراه است و البته تاثری غلیظ.

کود دیدگاه دو درباره امر روزنامه‌نگاری وجود دارد. برخی معتقدند من روزنامه‌نگاران باید حقیقت را گزارش کنند و برخی معتقدند دیدگاه خود ما چرا را تفسیر کنند. شما قائل به کدام دیدگاه هستید؟

حقیقت برآمد رازگشایی از واقعیت است و همه روزنامه‌نگاران حرفه‌ای واقف بر این فرایند هستند و بایدباشند.

آیا روزنامه‌نگاری می‌تواند بی طرف باشد؟

خیر، حتی و اگر و قطعه آنچه‌راه که روایت می‌کند باید در چارچوب خط مشی رسانه‌ای باشد که در آن کار می‌کند

بااین همه زاویه دید، روایت روزنامه‌نگار حرفه‌ای در هر قابی در فاصله بین سطور هم قابل رویت است.

این سال‌ها با وجهی از روزنامه‌نگاری روبرو بوده‌ایم که تابلوی آن مبارزه با فساد است. به نظر شما این نوع روزنامه‌نگاری، توانست اعتماد عمومی را جلب کند؟

خیر، هر از گاهی خرده‌روایتی ناچیز از بی‌پایان تولیدفساد و تباهی ره‌به‌جایی نبرده‌است، چون افشاشگری‌هایپوسته و گسترده و عمیق نیست و چون سال‌هاست همه رسانه‌ها با تاسفی ژرف مر جمعیت خود را از دست داده‌اند.

برخی افشاشگری‌های فردی و بیرون دایره مستقیم رسانه‌هایبشتر متاثر از کشمکش‌ها و منازعات بلوک‌های قدرت است و ربطی به روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاری مستقل ندارد

راه‌تخصص‌ روزنامه‌نگاران فسادستیر یا روبرو به‌گیران چیست؟

برای اهالی رسانه این پدیده پیدا و پنهان نیست، واکاوی چرایی و چگونه‌نگی زیست‌چر و زبجگیران در فضای کنونی شرم آور است.

در جامعه‌ی پر از ناامیدی، روزنامه‌نگاران چگونه می‌توانند امید آفرین باشند؟

تصویری‌کنم در شرایط کنونی نا امیدترین قشر جامعه، روزنامه‌نگاران هستند. بنا بر این انتظار امید آفرینی از سوی آنان واهی است. فراموش نکنیم امید، رویا بازی نیست. امید در بستر واقعیت و در تلاش برای تحقق آرزوها قابل تأمل نراند

معنای زندگی تان را از کجایم می‌گیرید؟

ترکیبی از درک دیروز، فهم امروز و تلاش برای رسیدن به فردا.

ترامپ تاثیر گذارترین شخصیت

پاسخ‌های فیروز مظفری، کارتنیست ایرانی به پرسش‌های باشگاه روزنامه‌نگاران را در ادامه می‌خوانید:

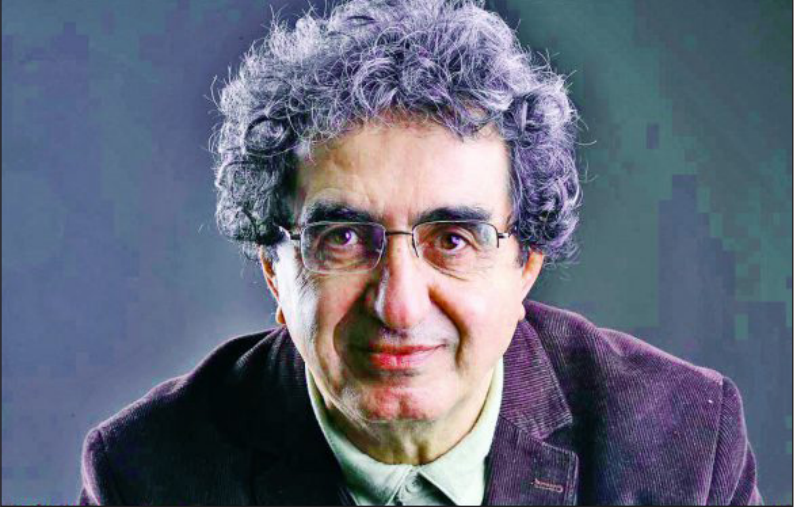
اگر قرار بود فقط یک کاریکاتور از سال آینده بکشید، چه موضوع یا شخصیتی را انتخاب می‌کردید؟

فکر می‌کنم تاثیر گذارترین شخص در سال جدید (البته نه از نظر تاثیر مثبت) ترامپ است. کارها و رفتارهای ترامپ غیر قابل پیش‌بینی است و تاثیرات منفی تصمیماتش در

وقایع اتفاقیه

همچنان نگرانیم

گفتگو با روزنامه‌نگاران



فقط سی ثانیه ذهن مخاطب را درگیر کنند. در این سی ثانیه انتظار چه فعل و انفعالی در ذهن بیننده دارید که فکری کنید.

یک کاریکاتور می‌تواند یک آدم را تغییر بدهد؟

تغییر وقتی روی می‌دهد که بستر مناسب هم وجود

داشته باشد. مثلاً یک کارتون یک پیام آموزشی منتقل می‌کند اما مخاطب بعد از دیدن کارتون دوباره به همان سیستم ناقص و پراشتباه بر می‌گردد. پیش‌همان



کدام یک آسان‌تر است: کشیدن کاریکاتوری که باعث لبخند شود یا کاریکاتوری که جامعه را به فکر فروبرد؟ چرا؟

مسئله کاریکاتوری که مردم را بخنداند سخت‌تر است. اصولاً خنداندن ایرانی‌ها با این همه بار غمی که بر روی دوششان است و بر زندگی‌شان سایه انداخته روز

به روز سخت‌تر می‌شود. من فکر می‌کنم طنز وقتی می‌تواند بخنداند کم‌مخاطب عمیق‌ا و خوشحال باشد. مثلاً در اتفاقی مثل صعود به جام جام جهانی یا برنده شدن افتخار آمیز اسکار، یک کارتون خنده‌دار می‌تواند مردم رو بخنداند. که اتفاقاً هر دوی این دو مثال اخیراً اتفاق افتاد ولی آن شادی و خوشحالی جمعی مثل سال‌های پیش

را به دنبال نداشت.

آیا تا به حال پیش آمده که یکی از کارهای شما واکنشی شدید برانگیزد؟ چه حسی داشتید؟

است ولی برای ما برای به دست آوردن همان حقوق اولیه باید بجنگیم. برای همین مفهوم حقوق بشر برای ما خیلی خیلی گسترده‌است!

چه موضوعی در سال جدید شما را نگران می‌کند و چه موضوعی به شما اطمینان خاطر می‌دهد؟

سایه نگرانی از جنگ برای ما که کودکی و نوجوانی مان را در جنگ ایران و عراق گذشته، بزرگترین کابوس است. البته جنگ آب، جنگ هوای پاک و جنگ با اختلاس گران و رانت‌خواران داخلی را هم باید بهش



خدا رو شکر نه، چون معمولاً منظور از واکنش در دنیای کاریکاتور، واکنش منفی و جنجالی بوده، خوشبختانه واکنش شدیدی روی کارها من‌نداشتم. ولی خب همیشه برام جالب بوده که خوانندگان روزنامه من را با تعدادی از کارتون‌ها و تصویرسازی‌هایم در حوزه‌ی زنان می‌شناختند.

فکر می‌کنید کاریکاتورها می‌توانند باعث تغییر در رفتارهای اجتماعی شوند؟ اگر بله، چگونه؟

در مقایسه با یک فیلم آموزشی دو ساعته، کاریکاتورها شاید قابل تأمل ترند.



اضافه کنیم. امیدوارم طبیعت اسمال با ما باشه. باران ببارد و جنگ برای آب نداشته باشیم و یادبوزد تا جنگ برای هوای پاک نداشته باشیم.

در جامعه‌ی پر از ناامیدی، شما به عنوان یک

ارتیست چگونه می‌توانید امید آفرین باشید؟

البته می‌توانم شعاری بگویم آدمی به امید زنده است ولی متاسفانه تزریق امید بدون پشتوانه، سمی‌تر از ناامیدی است.

معنای زندگی تان را از کجایم می‌گیرید؟

سوال سختی است. هیچ وقت زندگی‌ام را مقید به باید‌ها و نبایدها نکردم و گذاشتم زندگی راه خودش را برود. همین‌که بعلا بگو بند فلاچی در بزنگاهای دوران، سمت درست تاریخ ایستاده بود جای خوشحالی است.

چراغی روشن کنیم برای اصلاح

پاسخ‌های جمال رحمتی کارتنیست مطبوعاتی به پرسش‌های باشگاه روزنامه‌نگاران را در ادامه

بخویند:

اگر قرار بود فقط یک کاریکاتور از سال آینده بکشید، چه طرحی را انتخاب می‌کردید؟

از یک اتوبوس بدون موتور و بی‌راننده طرح می‌کشیدم که مسافرینش چشم انتظار حرکت این اتوبوس‌اند.

چگونه از تضادها و تناقض‌های اجتماعی در کارهایتان استفاده می‌کنید؟

به نظرم بستر کلی که در آن زیست می‌کنیم بر مبنای تناقض بنا شده. بستری که از یک زمینه سنتی به سمت آرمان شهری یا متخصصات مدرن حرکت می‌کند و این در حالی است که دارد پشت سرش را نگاه می‌کند. در کنار این، افراد مجبورند با چند چهره متفاوت و متناقض هم در جاهای مختلف ظاهر شوند. به‌طور نمونه فردی ممکن است خود را در محل کار، مذهبی نشان دهد، اما در زندگی شخصی اش خندا ناپاوار باشد. نشان دادن توأمان دو چیز متناقض در کنار هم خود به خود موضوعی طنز درست می‌کند. برای همین یک طراح و کارتنیست کار پیچیده‌ای ندارد و کافی است کمی به اطراف سرشار از تناقضش نگاه کند.

کدام یک آسان‌تر است: کشیدن کاریکاتوری که باعث لبخند شود یا کاریکاتوری که جامعه را به فکر فروبرد؟ چرا؟

هر دوی این‌ها می‌تواند هم سخت باشد هم آسان اما اگر یک طراح چارچوب فکری و تحلیل مشخصی داشته باشد، خنداندن به هر قیمتی برایش سخت می‌شود. مثلاً هزل و هجو راه بسیار راحتی برای خنداندن است اما هر طراحی به خود اجازه نمی‌دهد به سراغش برود.

آیا تا به حال پیش آمده که یکی از کارهای شما واکنشی شدید برانگیزد؟ چه حسی داشتید

خیلی پیش آمده اما یک مورد جدید با ابعاد بین‌المللی، ماجرای دلایی لاما بود. حتماً ماجرایش را می‌دانید.

کارتنونی از دلایی لاما را کشیده بودم که زینتش زیر پایش گیر کرده بود و داشت زمین می‌خورد. این طرح به شکل

جهانی مورد استقبال واقع شد. اما مشتاقان دلایی لاما به شکل مجازی به صفحه مجازی‌ام هجوم آوردند و حتی مرا تری را با آن ایجاد کرد در عین حال جا برای تخیل

مخاطب می‌گذار دو هر کسی می‌تواند با تصور خودش به شکل ذهنی، به کار شمار رنگ بدهد.

سخت‌ترین سوزهای که برای کشیدن کاریکاتور یا آن روبرو شده‌اید، چه بوده است

طراح همشهری امارات بودم. به سراغم آمدند و سوزه ترمیم سلول‌های یکی از اعضای منشوری بدن را سفارش دادند. مندم چه کار کنم تا این که به برخورد سمبولیک پناه بر دم فردی را کشیدم که قطعه‌ای خراب

شده از یک پازل را با قطعه جدید عوض می‌کند.

چه موضوعی در سال جدید شما را نگران می‌کند و چه موضوعی به شما اطمینان خاطر می‌دهد

این که همه چیز مثل سال‌های اخیر پیش‌برود نگرانم می‌کند. و موضوعی که به من اطمینان خاطر می‌دهد این است که بیادرم کنند و بگویند این شرایطی که در آن زیست کردی همه‌اش خواب بوده است.

در جامعه‌ی پر از ناامیدی، شما به عنوان یک

آرتیست چگونه می‌توانید امید آفرین باشید

با این که اما و اگر بسیاری برای جواب این سوال دارم اما فکر می‌کنم همین که سعی کنم در حیطه خودم چراغی روشن کنم و قدمی برای اصلاح شرایط بردارم، سهم خودم را دادا کرده‌ام. امید واقعی وقتی ایجاد می‌شود که ساختار به شکل عملی به تو نشان بدهد

که می‌شود امیدوار بود و گر نه در شرایطی که همه چیزش ها و ساز و کارها ناامیدت می‌کند، طراح فقط می‌تواند نقش آن نوازنده‌هایی را بازی کند که در زمان غرق شدن کشتی تایتانیک داشتند می‌نواختند تا مردم رو حیه‌شان را بیازند.

معنای زندگی تان را از کجایم می‌گیرید؟

من تصور و توقعی از خودم دارم. حرکت در مسیر این تصورات و توقعات به زندگی‌ام معنای می‌دهند. فکر می‌کنم همه تجربیات و ادامه در ستون روپرو (دوسیه)



کشتی زنجان در مسیر شکوفایی

وقایع اتفاقیه— کشتی یکی از قدیمی‌ترین رشته های ورزشی در جهان با دو نوع آزاد و فرنگی است که هر کدام از آنها در شرایط، قوانین و قواعد خاصی انجام می‌شود.

ورزش کشتی در ایران از دیرباز به‌عنوان یک ورزش پهلوانی و نمادی از قدرت و شجاعت شناخته می‌شده. زنجان در ورزش کشتی جزو استان‌های ریشه‌دار و از پیشکسوتان، قهرمانان و استعداد‌های زیادی برخوردار بوده‌است، هرچند در برهه هایی دچار افت و خیزهایی شده اما کشتی گبران زنجان در دوره‌هایی، بسیار خوش درخشیده‌اند. هم‌اکنون حدود چهار هزار کشتی‌گیر در زنجان به صورت رسمی و نیمه‌مشله فعالیت می‌کنند و استقبال چشمگیر خردسلان و نونهالان از این رشته، نویدبخش روزهای خوب برای بازگشت به اوج است.

عباس محمدی رئیس هیات کشتی استان می‌گوید: کشتی استان از سال ۹۸ که بنده مسئولیت هیات را برعهده گرفتم پوست اندازی کرد و قهرمانان مطرح استان از قبیل محمدنادری، میثم حیدری و میثم نصیری از دنیای قهرمانی خداحافظی کردند و به نوعی در کشتی استان خلا ایجاد شد. اکنون تلاش می‌کنیم نفراتی را در رده‌های پایه برای کشتی کشور معرفی کنیم که خوشبختانه مربیان تلاشگر استان در این زمینه خوب کار می‌کنند.

حاله و نوع برخورد او با این ها به اضافه چیزهای دیگر، به او نگاه و تحلیل می‌دهد که او را وادار به کشتی متناسب می‌کند. این نگاه از نظر من همان تصور و توقعی است که از آن گفتم.

آینده‌ی ایران نگران‌تم می‌کند

پاسخ‌های بزرگمهر حسین پور طراح و کارتنیست ایرانی به پرسش‌های باشگاه روزنامه‌نگاران ایران می‌خویند:

اگر قرار بود فقط یک کاریکاتور از سال آینده بکشید، چه موضوع یا شخصیتی را انتخاب می‌کردید؟

موضوعی که نمیشه بهش پرداخت و شخصیتی که نمی‌توان کشید را می‌کشیدم!

چگونه از تضادها و تناقض‌های اجتماعی در کارهایتان استفاده می‌کنید؟

در روش‌های انتخاب سوزه یکی از راه‌ها نگاه به تضادها و تناقض هست. فقر و ثروت، ظالم و مظلوم... سالم و مریض... باهوش و خنگ... این یکی از روش‌های کار

ملمست.

کدام یک آسان‌تر است: کشیدن کاریکاتوری که باعث لبخند شود یا کاریکاتوری که جامعه را به فکر فرو

ببرد؟ و چرا؟

هر کدام را اگر به بهترین شکل بخواهی به تصویر بکشی سخت است. این‌ها دو سبک و نگاه کارتنیست‌های جهان بوده‌اند و خلق هر کدام می‌تواند اگر هوشمندانه و خلاقانه باشد سخت و البته تاثیر گذار باشد.

آیا تا به حال پیش آمده که یکی از کارهای شما واکنشی شدید برانگیزد؟ چه حسی داشتید؟

بله... حسی از نگرانی، ناراحتی، ترس و آندوه

فکر می‌کنید کاریکاتورها می‌توانند باعث تغییر در رفتارهای اجتماعی شوند؟ اگر بله، چگونه؟

بله. اما به مرور... آهسته و دو طی سال‌ها

اگر روزی مجبور شوید تنها یک رنگ برای تمام کاریکاتورهایتان استفاده کنید، کدام رنگ را انتخاب می‌کنید و چرا؟

انتخاب رنگ لزوماً معنا گرایانه نیست. ممکن است کمپوزسیون محور باشد. مثلاً رنگ زرد را دوست دارم. اما به‌عنوان تک‌رنگ در ترکیب کلی کار جواب نمی‌دهد.

پس موضوع را از مفهوم رنگ جدا می‌دانم و انتخابم در زمان بر اساس ترکیب‌بندی خواهد بود.

سخت‌ترین سوزهای که برای کشیدن کاریکاتور با آن روبرو شده‌اید، چه بوده است؟

موضوع سختی وجود ندارد. اما در ایران موضوع‌های خط قرمز چون نمی‌شود به آنها پرداخت کار تو را

سخت می‌کند. مثلاً کشیدن کاریکاتور رور حاینون!

چه موضوعی در سال جدید شما را نگران می‌کند و چه موضوعی به شما اطمینان خاطر می‌دهد؟

آینده‌ی کشتی ایران و اینکه کشتی‌بانان بی‌سوادی داریم نگرانم می‌کند و این‌که داخل کشتی کلی مسافر بسواد و کاربرد هستند که دل‌شان برای مسافران و کشتی می‌سوزد

دلاری‌ام می‌دهد.

معنای زندگی پر از ناامیدی، شما به عنوان یک ارتیست چگونه می‌توانید امید آفرین باشید؟

وظیفه‌ی یک هنرمند امید آفرینی نیست. اما اگر روزی یک هنرمند بخواهد امید آفرینی کند دیگر تصمیم شخصی‌اش

است. من فعلاً چنین تصمیمی ندارم

معنای زندگی تان را از کجایم می‌گیرید؟

در نگاه کردن به حیوانات. سو ریم و جریان زندگی در طبیعت، مثلاً پروانه که کمتر از یک‌ماه زندگی می‌کند شاکای از این نیست که چرا عمرش کوتاه‌است و مگس چرا سه ماه عمر می‌کند... و یا چرا سوسک صد روز، پروانه تا زمانی که زنده است با تمام وجود پروانگی می‌کند. اینجاها برای من پر از معنای زندگی است.



سطحی‌شستگی

حسین نجاری

شستگی، شهر را به تصرف خود درآورده است. بی‌سلیقگی از در دیوار شهر بیرون می‌تراود و بر جان و جهان‌آدمی مسئولی می‌شود.

ما به این باور نرسیده‌ام که شهر روح دارد و مُدعِ تعاملات مدنی و گفتگوی انسانی است.آن را نمی‌توان در پلاک خلاصه کرد.باید فضای پر سه‌زدن را نیز در این منظومه‌ی مدرن در نظر گرفت.باید از آتمسفر زیباشناسانه‌ی آن برای کاستن از فشارهای روانی بهره برد و البته که لازمه‌ی آن درک روزآمد از شهر و جامعه‌ی انسانی است.

افتشاش بصری و بی‌نظمی‌های امروززایدی بی‌نظمی‌های دیروزاست.دانه‌ی آن به‌فاده‌ای نیمه‌سرایت خواهد کرد. باید بپذیریم هر پدیده‌ای به باز تولید خود می‌پردازد و از همین روست که گفته‌اند:پوله، پول می‌آورد و بی‌راه نیست گفته‌شود.فقر، فقر می‌آورد،عزاجز اعزاجنمی‌زایدو شادی از شادی می‌شکند.

بدین ترتیب نقش و نظم اجتماعی می‌تواند افرادشسته و خراج از چهارچوب را در قالب قاعده‌مند خود قرار داده و او را وادار به رعایت خود سازد و راه همزیستی و بهزیستی از همین بستر انسانی اجتماعی می‌گذرد. آیا ما همان رفتاری را در جمعه‌بازار داریم که در برج میلاد داریم؟ بنابراین فرم مسئله‌ی مهمی است و ظهور امر نو متکی به ساختن فرم جدید است و از طریق فرم جدید امکان ظهور امر نو فراهم می‌شود.

در کنار این فرم گرای و این استراتژی ساختارمند و التزام به این قرارداد اجتماعی، بایستی تبلیغات محیطی از دیدگاه متخصصان جامعه‌شناسی وروانشناسی اجتماعی و حتی متخصصان فرهنگی، هنری و بر اساس ویژگی‌های فرهنگی و هویتی هر شهر و منطقه‌ای، موردکنکاش قرار گرفته و مطابق روح جمعی و صبغه‌ی اقلیمی به‌ترین فضاهای عمومی پرداخته‌شود.بر همین اساس المان‌های فرهنگی ویلبوردهای تبلیغاتی که در زاهدان نصب می‌گردند، کار کرد خود را در شهری مثل زنجان از دست خواهند داد. ویژگی‌های اقلیمی و تفاوت‌های هویتی الزامتی دارد که در کنار نگاه ملی باید عنایت عالمانه‌ای به آن‌ها داشت.

تبلیغات نامناسب شهری را می‌توان نوعی آلودگی بصری قلمداد کرد که تاثیر مخربی بر روح و روان شهروندان دارد. محیط بصری و منظر شهری در نزد مدیرانی بانگاه محلی اهمیتی نمی‌یابد، زیرا آن‌هاشهر را در جغرافیای جهانی تعریف نکرده و بیرون از مدار آن قرار دارند. آن که درکی از شبکه‌ی جهانی ندارد، طبعاً تصور و طریقی نیز برای پیوستن به آن ندارد و آن که فارغ از این ماجراست چگونه نمی‌تواند خود را در فضاهای جهانی پیوند بزند.آن که با ذهنیتی ضعیف و محلی به شهری نگردد، نمی‌داند، شهرهای زیبای آن توسعه‌ی زیباشناختی شهروندان را دارند و به بر تراقی اймаژ جمعی شهروندان از سیمای خویش کمک‌می‌کنند.نیو بناافتلالی وجهی‌شهر در سطح ملی و فراملی توان‌رقابتی شهر را برای جذب گردشگران داخلی و خارجی تقویت‌می‌کند. آیا شهرداران ما مثل شهر داران پاریس، آمستردام، رم، ونیز، استانبول، دبی و دوحه می‌اندیشند؟ آیا آن‌ها فقط یک بار شهر می‌نگرد، نمی‌داند. شهرهای زیبا و خوشکاران و هنرمنان‌بله‌صحنه‌های جهانی و عرصه‌های بین‌المللی می‌اندیشند، بنابراین طبیعی است که اوضاع چنین باشد، و این تماماً تقصیر شهرداران نیست، دستگاه قدرت از درک دنیای معاصر عاجز است. با این همه، تغییر از جز به کل می‌رسد و با همین فضای بسته و پال شکسته نیز می‌توان به آسمان آبی اندیشید و به اقی‌های دور دست راه پیدا کرد.

همه‌ی این‌ها پیشکش، شور،بیخانه‌ی مادر بدیهیات ماجرا نیز مات و میبهرت مانده‌ایم. به عنوان مثال در بدسلیقگی مسئولین شهری چون زنجان همین نکته‌سب که تندیس دکتر مجیدشهرباری را روبروی مصلی و تندیس شهید خیرالله صمدی، از شهدای جنگ با داعش را روبروی اداره کل آموزش و پرورش استان قرار داده‌اند. نکته‌ی قابل تأمل اینکه از دل خیل این همه‌معلم و فرهنگی و نیز از میان مسئولان استانی که دستکم روزی یک بار از این مسیر پرترد عبور می‌کنند کسی تا به حال به این موضوع توجهی نکرده است! درست‌تر آن است تندیس شهید مجیدشهرباری که از معدود چهره‌های برجسته‌ی علمی و از دانشمندان هسته‌ای کشور به شمار می‌رود روبروی نهاد علم و فرهنگ نصب گردد، شمایل الهام‌بخشی که می‌تواند الگوی جامعه‌ی دانش‌آموزی و جمعیتی فرهنگی استان باشد.تندیس چهره‌ی فاضل و فرورنی که روبروی ساختمان اداره کل آموزش و پرورش استان ایستاده و چشم بر چشم جامعه‌ی فرهنگی شهر و دیار خود دوخته و فضیلت علم را در سکوتی قلمی جار می‌زند، در عین حال درست‌تر آن است تندیس شهید صمدی که از مدافعان حرم و از نمادهای مقاومت است روبروی مصلی و محل برگزاری نماز جمعه‌نصب گردد. به هر صورت ما نیاز به بازسازی جان و جهان خود داریم و تا به چنین درکی نرسیم کار ما روز به روز دشوارتر خواهد شد. به امید آن روز روشن.

آه‌ی خورا به موج بسپارد

تویخانه– بر اساس گزارش ستاد اجرایی خدمات سفر استان زنجان در ایام نوروز ۱۴۰۴، در زنجان مجموعاً حدود ۸،۹۵۱ نفر در اقامتگاه‌های رسمی، ۹،۳۸۱ نفر در اقامتگاه‌های غیررسمی و ۶۶۲ نفر در اقامتگاه‌های اضطراری اسکان یافته‌اند.این رقم مجموعاً حدود ۱۹،۰۰۰ اقامت‌ثبت‌شده را نشان می‌دهد.

علم استقبال گردشگران از زنجان و مراکز تفریحی و توریستی استان باعث شد تا موضوع در گروه خبرنگاران مطرح و مورد بحث قرار بگیرد. حاصل مباحثی دوستانه‌ی برخی از فعالان رسانه‌ای و مدنی استان را در زیرمی‌خوانید:

حسین نجاری: زنجان تا به امروز درک درستی از ظرفیت‌های شهری تاریخی برای جذب توریسم نداشته و یکی از مهم‌ترین مولفه‌های سرمایه‌گذاری و توانمند سازی اقتصادی شهر به‌کام تاریخ مغفول مانده است و این مسئله‌ی مالا آوری است. همه‌ی مایابایدپذیریم که هیچ‌هدف جمعی متعالی‌ای در زندگی نداریم.

به‌عنوان یک‌مثال‌دم‌دستی چرانمی‌پرسم، مجموعه‌ی **اثل‌داغی** با آن همه طراحی موفق و ظرفیت‌سازی حدوداً سی‌ساله چرا به حال خود رها شده؟ چرا این پتانسیل نیمه‌آماده‌ی گردشگری را برای جذب توریسم داخلی و حتی برای تأمین بخشی از نیازهای رفاهی تفریحی خودتکمیل نمی‌کنیم؟

مسئولان شهر با یک و نیم ساعت فاصله، سری به دهکده‌ی تفریحی باراجین (قزوین) بزنند تا ببینند که در آنجاچه امکانات و موقعیت جذابی برای شهروندان و گردشگران و مسافران درست کرده‌اند.و چه درآمدی از این محل نصیب‌شان می‌شود، چرا یکی نمی‌پرسد وضعیت نمای زشت و غیربهداشتی و پر از زباله‌ی مسیر گاوزنگ(از حاشیه‌ی خاکی میدان‌دیگ‌مسی تا مقابل فود کورت‌ها) تاکی در این وضعیت فاجعه‌بار خواهدماند؟

چراکسی نمی‌پرسندخاله‌های ساختمانی وشلختگی‌های دیرین حاشیه‌ی کمربندی جنوبی شهر (از مجاورت مال‌دهرسی تا محدوده‌ی پل امام حسن(ع) روبروی حسینیه‌ی اعظم) کی ساماندهی می‌شود؟

طرح زنجان‌زودکی به‌سرانجام خواهدرسید؟ بازسازی‌محوطه‌ی پنا‌ی ذوالفقاری وساختنمدراری کی به‌بهبودی‌دری خواهدرسید و ده‌ها مورد ریز و درشت

دیگر که هر کلام می‌تواند سهم به سزایی در جذب گردشگران داخلی و توریسم خارجی داشته‌باشد. شهر را باید ساخت، چه کاری از دست ما می‌آید؟ در پوستین خلق افتادن دردی از ما را دو نمی‌کند. آبادی همت همگانی می‌طلبد و مدیریت توسعه که پیشران اصلی جوامع دیروز و امروز است، آمیودولر استانداری و نهادهای ذیربط برای چنین اهداف موسع و ماندگاری بکوشند و آن را سرلوحه‌ی برنامه‌های اقتصادی فرهنگی خودسازند. زنجان ظرفیت‌های منحصر به فردی دارد و با توجه‌به‌خور‌داری‌از موقعیت‌استراتژیک پتانسیل بالایی برای جذب سرمایه و سرمایه‌گذار دارد. این موضوع مهم و مغفول را دربیاییم.

در ضمن باید گفت؛ چند ماه پیش ما این بحث‌ها را از سر تفتان انجام ندادیم. ما این گفتگوی مفصل گروهی با مهندس جواد رحمتی را هم‌بنجوری به عنوان تیترو عکس‌ال‌نور نمانیم کار نکردیم، جادارد مباحث فنی و کارشناسی مهندس رحمتی مورد توجه و تامل واقع شود، از مدیران استانداری، شهرداری و دیگر مدیران شهری در گروه حضور دارند، خواهش این است، مخصوصاً به این گفتگوی سه چهار ماه گذشته‌ی آقای رحمتی و دیگر موضوعات ربط‌عناصرتویزهای کنند.

دوستان خبرنگار مغازه‌ها با مدیران و انتشار عکس سلفی با فرماندهان و فرمانداران کل غیر رسانه‌ای و حتی ضد رسانه‌ای است، رسانه‌ای که به مدیران خط ندها رسا نیست.

یوسف ناصری: آقای نجاری در مورد سوال اول‌تان عارضم که این مجموعه را جواد آقای رحمتی ساخته و بعدتر آقای یحیی رحمتی، جشنوارهی جهانی به نام «جشنواره‌ی اش» را در آنجا برپا کرده‌ده همان‌زمان عدای از شورای همین شهر، آمده و گفته‌اند این مکان شده محل فسق و فجور اوقص علی‌هنا.واقعا انتظار دارید این محل بازسازی و توریست پذیر باشد!!!

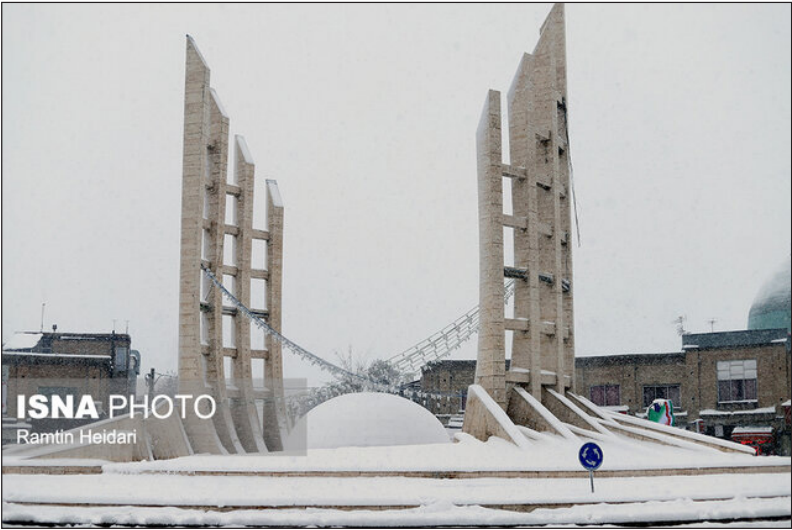
مهندس جواد رحمتی: سلام دوستان زنجان‌زود را ما مواع زیاد در سال ۸۱شروع کردیم، من معمولاً پروژه‌هایم را خود طراحی می‌کنم.این پروژه رابین سه پل تاریخی طراحی و در فاز اول حدفاصل بین دو پل را شروع کردیم. آقای هاشمی نژاد شهردار بودند و همکاری خوبی در جلب‌بازغادران داشتند.

جلسات متعدد با باغداران محترم گذاشتم و بعد از کسب رضایت‌شان در دو کیلومترترین دویپل شروع کردیم. از اعتبارات پیشگیری سیل به بهانه‌ی دیواره سازی شروع کردیم و رودخانه را که ۱۵ تا ۱۰متر از عرض آن مانده بود به عرض ۴۰متر آزاد کردیم و با سازمان آب توافق کردیم که ۶۰متر را برای بسترو ۲۰متر از طرفین را برای محور پیاده‌در نظر بگیریم. با باغداران توافق کرده بودیم که در ازای عقب نشینی آن‌ها دیوار یا شان را بسازیم و جاهایی را که در مسیر قرار می‌گرفتند با همکاری آن‌ها جابجا کنیم و یا پول حفاری جاه جدید را بدهیم. در طراحی دیده شده بود که فاضلاب ورودی به رودخانه قبل از ورود جمع آوری و به پایین‌تر انتقال یابد. کار خوب شروع شد. ولی بعد از رفتن

تویخانه

زنجان، کلیسای طاعون زده

شهری که جاذبه‌ای برای گردشگران ندارد



من از زنجان پروژه مثل گاوزنگ خوابیدم فقط شهرداری شروع به جدول گذاری قسمت آزاد شده کرده بود تا آن را اسفالت کند که وقتی دیواره به زنجان برگشتم جلو کار را گرفتم و سنگفرش را جابجا گزین اسفالت کردم.بخشی از پروژه در حضور دیواره من در زنجان ادامه پیدا کرد ولی مجدداً بارفتن من خوابید و همچنان در خواب است.

صمد محمدی:جناب رحمتی، زنجان نیاز به مشاورین با تجربه دارد تا یک شهر دار و یک استانداری استانداری مجری سیاست‌های دولت خواهد بود و شهر دار هم پاسخگو به اعضای شورای شهر و مسائل و مشکلات پیچیده‌ی سازمان خود. بزرگوارانی که در مدیریت عالی خدمت کردند و کوله‌بار ی از تجربه و دانش مدیریتی دارند نمی‌توانند در یک مجمع مشورتی برای استان مفیدتر از مدیرت یک سازمان دولتی و یا نیمه دولتی باشندو استان زنجان از باب مدیرانی که تجربه مدیریت عالی دارند ذخیره چشمگیری دارد.

جواد رحمتی:جناب محمدی با احترام، اگر مشاور قوی هم داشته باشیم و یک استانداری استراتژیست نداشته باشیم همان‌نظر مشاور هم ضمانت اجرایی نخواهد داشت. ولی اگر استانداری آشنا به توسعه داشته باشیم مشاور خوب را هم پیدایی‌کنند.

سعید قفیهی: پروژه گاوزنگ در اشل پروژه‌های امروز می‌تواندم اندازه‌ی پروژه‌های ملی ارزیابی شود. حقیقتاً خدمت‌مندان‌گذاری است و باید به‌سخت‌اندر کاران شجاع آن‌دستم‌زیر گذافت.

رحمتی: من در این پروژه خیلی خنل دل خوردم. روزی ائمه جماعت یکی از مساجد که من را می‌شناختند به من زنگ زدند و گفتند شما دیگه چرا؟ آقای رحمتی به فکر آخرت باش اونجا دختر و پسر باهم می‌شینن و گناه می‌کنند و به پای تو نوشته می‌شه یک کاری بکن که باقیات و الصالحات برایت باشد! رفته پیش حاج آقا موسوی، امام جمعه مردم و موضوع را گفتم، فرمودند: به اون آقا بگو اگر این جاهانشند جوان‌ها می‌روند در جای خلوت گناه‌سنگین تری می‌کنند! اینجا حداقل جلو چشم هستند.

در زمان استانداری آقای رتوفی نژاد یک ظلم بزرگی به شهر زنجان در این پروژه شد زمین را که آماده کرده بودیم فروختند و روستاهامد، همه‌جا بلبه‌جان شد.
داستان گاوزنگ بسیار پیچیده است و رمز و راز زیادی دارد. متأسفانه با بانی اصلی سواستفاده آن هیچ برخوردی نشد. ۲۴ میلیارد (به قیمت سال ۸۸) زمین در زمان آقای رتوفی نژاد فروخته شد(۷ میلیارد معوض داده شد و بقیه نقدی فروخته شد) چیزی در گاوزنگ هزینه نشد، حتی پول بیمه‌کار پروژه آماده‌سازی زمین‌هایی را که فروخته بودند، ندادند.

محمود علمیحمدی: آقای نجاری بزرگوار پروژه‌های عمرانی ناتمام در ایران، درست مثل زنجان، اغلب به دلایلی چون کمبود بودجه، ضعف در مدیریت پروژه، ناهماهنگی بین نهادهای تغییرات اولویت‌های سیاسی به واسطه تغییرات پی در پی مدیران و عمر کم مدیریت متوقف می‌شوند. در یک فصلنامه علمی-پژوهشی خواندم که علم تعادل در نظام شهری زنجان به دلیل تمرکز امکانات و زیرساخت‌ها در مرکز استان و ضعف در توزیع متوازن منابع، یکی از عوامل کلیدی در به تعویق افتادن پروژه‌های عمرانی است، بارها موضوع پروژه‌های نیمه تمام در زنجان و تغییر سیاست‌ها مورد پژوهش متخصصین قرار گرفته‌ما که گوش شنوا!

مثلاً مجموعه تفریحی گاوزنگ(اثل داغی)، که از ده‌ها

پیش توسط حاج جواد رحمتی طراحی شده،به دلیل نبود برنامه‌ریزی مدون و تخصیص بودجه‌منظم، به حال خود رها شده است. مقاله‌ای در نشریه‌ی جغرافیا و مطالعات



ناکار آمدی مدیریت شهری خوانده‌است.

زنگان امروز(۲۵ بهمن ۱۴۰۲) در گزارشی درباره گاوزنگ، وضعیت زباله‌ها و نمای نامناسب این منطقه را «شرم‌آور» توصیف کرده و از پتانسیل بالای آن برای تبدیل شدن به یک پارک تفریحی سخن گفته‌است.

مردم دو (۵ دی ۱۴۰۲) نیز در مقاله‌ای به لزوم بازسازی بناهای تاریخی مانند ذوالفقاری پرداخته و تأکید کرده که این پروژه‌های می‌توانند هویت فرهنگی شهر را احیا کنند.
ساختن شهر نیازمند عزم جمعی و فراتر رفتن از شعار است. ما، به عنوان شهروندان، می‌توانیم با مطالبه‌گری از طریق رسانه‌ها و مشارکت در طرح‌های محلی، و مسئولان با شفافیت و برنام‌ریزی، این روند را تغییر دهیم. زنجان پتانسیل بالایی دارد، اما این پتانسیل بدون عمل، تنها حسرتی بر دل شهروندان خود خواهد گذاشت.

محمود الماسی:میر محمدی معاون عمرانی قوم‌نوذری استانداری زنجان در دولت اول احمدی نژاد، درباره‌ی پروژه گاوزنگ فرموده بودند: اجازه نمی‌دم گاوزنگ زنجان پارک جمشیدیه تهران بشه! همین[...]. در یکی از جلسات شورای شهر هم، به خبرنگاران توهین کرد که البته بالایی سرش آوردیم که دوروز بعد به[...]. آقای دو در سال‌های

بعد مدیر پروژه بزرگ مصلی تهران شد!

علیمحمدی: دقیقاً همین‌طور بود نوذری و میرمحمدی، معاون عمرانی استانداری زنجان در دولت اول احمدی نژاد، درباره پروژه گاوزنگ گفته بودند: «اجازه نمی‌دمم گاوزنگ زنجان به پارک جمشیدیه تهران تبدیل شود.» این جمله، یک موضع‌گیری جدی مطرح شده بود و در گرماگرم بحثی احساسی، نشان‌دهنده رویکردی بود که به جای توسعه زیرساخت‌های گردشگری، حفظ وضع موجود رو ترجیح می‌داد.

از سوی دیگه، امرای تأمل برانگیز، وضعیت گردشگری زنجان است. وقتی به اعداد نگاه می‌کنیم-بازدید ۱۹ هزار نفر از جاذبه‌های زنجان در نوروز ۱۴۰۴ در مقایسه با ۳۸ میلیون نفر در گیلان یا حتی ۱۸۸ هزار نفر در قزوین- نمی‌توان منکر شد که زنجان، با وجود موقعیت استراتژیک و پتانسیل‌های طبیعی و تاریخی‌اش، در جذب گردشگر به شدت عقب مانده است. این در حالی است که صنعت گردشگری می‌تواند موتور محرکه اقتصاد محلی باشد. صرف‌گفته‌ی یک تفریحی و تفریحی

برارجن در قزوین، با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مدیریت کل‌آمد، توانسته به‌رکز تفریحی موفق تبدیل بشود و درآمد قابل توجهی برای شهر ایجاد کنه. این در حالی‌است که مسیر گاوزنگ در زنجان، با وجود نزدیکی به شهر و دسترسی آسان، همچنان در وضعیت نامناسب و بدون ساماندهی باقی مانده‌است.

ضمن تذکر بابت طرح موضوع و با توجه به حضور دکتر رحمتی در این پرسشهاد در خواست از آقای استانداری برای مطالعه کارشناسی پروژه‌های نیمه تمام استان را بکنید، با وجود حضور آقایان محمود عباسی، الهی سرشت و... در گروه می‌شود یک جلسسهٔ مطالعه‌گری با حضور خبرنگاران و مدیران عمرانی برای صرفاً حداقل یک پروژه مثل گاوزنگ(اثل داغی) گذاشت و با حضور دکتر رحمتی طرح پروژه راه‌های برون رفت این پدیده بزرگ گردشگری را بررسی و پیگیری کرد و تا حصول حداقل مطالبات طی دو سال آینده برای شهر زنجان یک کمپین همراهی با دولت برای پروژه ایجاد کرد.

طرح جامع شهر زنجان (مصوب ۱۳۷۵) نشان می‌دهد که پروژه‌های مثل زنجان‌زود بازسازی بناهای تاریخی مانند ذوالفقاری وساختن مدارایی در برنامه‌های توسعه شهری گنجانده شدند، اما اجرای آن‌ها به دلیل مشکلات مالی و نبود نظارت کافی به تعویق افتاده‌است.

در سطح خارجی، گزارش‌های بانک جهانی درباره توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد، که شهرهایی موفق هستند که از مدل‌های مشارکتی (PPP - Public-Private Partnership) استفاده کرده‌اند. مدیران شهری زنجان هنوز نتوانستند این مدل‌ها را به‌طور مؤثر پیاده‌سازی کنند.

جناب آقای نجاری بررسی‌ها نشان می‌دهد که تمام نشريات محلی در مقاطعی برای برون رفت از وضعیت فعلی تلاش کردند، اما که گوش شنوا!

موج بیاباری در گزارشی (شماره ۱۵ فروردین ۱۴۰۳) اشاره کرد که ضعف مدیریت شهری زنجان به دلیل مشکلات مالی و نبود بودجه کافی برای برقراری خدمات شهری است. این موضوع نیازمند توجه ویژه است.

گیلان: ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار
آذربایجان شرقی: ۸۹۴ هزار
همدان: ۵۸۰ هزار
آذربایجان غربی: ۵۶۱ هزار
اردبیل: ۳۵۰ هزار
قزوین: ۱۸۸ هزار
زنجان: ۱۹ هزار!

امید است دست اندرکاران جدید برنامه ریزی ویژه‌ای برای شروع کار صنعت گردشگری در استان داشته باشند.
علیمحمدی: آمار ارائه‌شده واقعاً قابل تأمل است و گفته‌ی آقای نجاری هم به‌نوعی تکمیل‌کننده این تصویر تلخ، وقتی زنجان با ۱۹ هزار بازدیدکننده در نوروز ۱۴۰۴ کنار گیلان ۳۸ میلیون یا حتی قزوین ۱۸۸ هزار مقایسه می‌شود، نمی‌توان منکر شد که گردشگری در زنجان به معنای واقعی کلمه در جا زده‌است. **امامه در ستون گرامفون**

موج‌یزداری



ادامه‌ی گزارِش وسط صفحه

البته نکته‌هایی در این آمار است که قابل تأمل است. امیدایی کمی عمیق تر نگاه کنیم، برای ثبت آمار ورودی گردشگران به استان دو پارامتر کلیدی نقش دارند: اول، کمبود زیرساخت‌هایی مثل هتل و اقامتگاه‌های مناسب. زنجان هنوز تعداد هتل‌های استانداری دو متون عش باستان‌های همسایه قابل مقایسه نیست.

مثلاً در گیلان، تنوع اقامتگاه‌ها از بوم‌گردی تا هتل‌های لوکس، انتخاب‌های زیادی به گردشگر می‌دهد. اما در زنجان این گزینه‌ها محدود است.

دوم، جاذبه‌هایی که حضور گردشگر را ثبت می‌کنند. بسیاری از نقاط دیدنی زنجان – مثل طبیعت گاوزنگ یا ورودی‌های بازار زنجان – با بلیط فروشی ندارند یا مکان‌های بازدیدی خاص مثل موزه و یا مرکز گردشگری دارای بلیط فروشی داخل آن وجود ندارد و یا آن‌قدر تبلیغ و ساماندهی نشده‌اند که بازدیدکننده‌ها به سمت‌شان هدایت شوند. در قزوین، مثلاً، مجموعه سعدالسلطنه با الموت با مدیریت بهتر و تبلیغات، گردشگر را جذب و ثبت می‌کنند، اما در زنجان انکار هنوز

این ظرفیت‌ها نادیده گرفته‌شده‌اند.

شاید بخشی از این ۱۹ هزار نفر که آقای نجاری گفت زنجانی‌های مهاجرند، به‌خاطر همین کمبودها فقط برای دیدن فامیل آمده‌اند، نه دیدن و حضور در جاذبه‌های گردشگری اسال‌هاست که زنجانی‌ها دست روی دست گذاشته‌اند و فقط تأسیف می‌خورند.

زنجان پتانسیل بالایی دارد – از طبیعت بکرش گرفته تا تاریخ غنی و بازار سنتی‌اش. اگر برنامه‌ریزی درستی نشود، عدم توسعه‌ی اقامتگاه‌ها، ساماندهی جاذبه‌ها و تبلیغات هادفمند، این آمار همین است که هست. گنبد سلطانیه، که جهانی هم هست، چرا نباید مثل تخت جمشید یا میدان نقش جهان، گردشگر خارجی و داخلی جذب کند؟ یا اثل داغی چرا نباید مثل باراجین (قزوین) به یک مرکز تفریحی درجه یک با جاذبه‌های گوناگون مثل باغ پردگان، پیست‌های متعدد، سایت پروازی و موزه‌های طبیعت و... تبدیل شود؟

تقی سالک:

دوستان سلام

پیشاپیش روز طبیعت و سیزده بدر را به شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم. راجع به گاوزنگ بحث مفصل است و من به‌عنوان کسی که اول‌ها با پروژه‌مستقیم درگیر بوده‌ام بی‌تکلی و تکره می‌روم.

علت عقب ماندگی این منطقه فقط و فقط شهرداری و شورای شهر در سال‌های متمادی است. البته علم تخصص اعتبار، عدم‌مطالبه‌گری شهروندان، معارضین موجود، تغییر اقلیم و کاهش بارش‌ها و... هم دلیل است. ولی بیشتر از همه عدم مدیریت در استان باعث عقب‌ماندگی این منطقه نسبت به مناطق مشابه خودش مثل باراجین قزوین شیخ تپه‌لومب است. کوه‌های پتالی (تبریز) هم راست.

بارها گفته‌ام زنجان شهر سوال‌های بی جواب است. این پروژه هم یکی از همین سئوال‌هاست که جوابی برایش پیدا نمی‌شود. این منطقه هم اکنون در اختیار اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری است و دنبال تهیه‌ی طرح و سرمایه‌گذار است تا بتواند وضعیت منطقه را تغییر دهد.

احمد حسینی: در مورد گردشگری کشور و گردشگری زنجان چند مسأله مهم و قابل توجه را می‌توان آورد مهم‌ترینش این است: زنجان (تکره می‌کنم) که در زنجان است)

هیچ وقت در فکر توسعه نبوده‌است.

دوم اگر در سالیان دور، گردشگری در شهرهای شمال و تهران و شیراز و اصفهان و بعضی شهرهای دیگر تعریف نشده بود امروز آن زیر ساخت‌ها را هم نداشتیم.

چند خاطره را خدمت‌تان عرض می‌کنم. سال‌های پیش ایام فاطمی‌ه با عید نوروز هم زمان بود. نفری که در سلطانیه مسئول بود برای هر روز برنامه‌اشدای تدارک دیده بود عللش بماد. اما افرادی متناسب به ایشان و یا هم سفره‌ها ایشان در مقابل شهرداری و میدان بسیج تجمع می‌کردند و با اسلام‌اسر می‌داند.

دوم سال پیش سفر یک روزه به انزلی داشتم و اتفاقی روز افتتاح آرش مال بود. پروژه‌ی لاکچری با مغازه‌ها و فروشگاه‌های لاکچری. انگار در مرکز فروش‌های استانبول قدم می‌زدی. دختران بدون حجاب با دامن و بدون جوراب به عنوان فروشنده یا آشنایان صاحبان مغازه

در حالی که بخش مهمی از اقتصاد استان‌ها گردش پول و قدرت خرید مردم، وابسته به صنعت گردشگری است نه فقط صنعت و تولید و تبه و علمی و...
آمار بازدید از جاذبه های گردشگری و تاریخی در استان‌های همسایه‌ی زنجان در ایام نوروز ۱۴۰۴ تا ۹۰ فروردین:
گیلان: ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار
آذربایجان شرقی: ۸۹۴ هزار
همدان: ۵۸۰ هزار
آذربایجان غربی: ۵۶۱ هزار
اردبیل: ۳۵۰ هزار
قزوین: ۱۸۸ هزار
زنجان: ۱۹ هزار!

امید است دست اندرکاران جدید برنامه ریزی ویژه‌ای برای شروع کار صنعت گردشگری در استان داشته باشند.
علیمحمدی: آمار ارائه‌شده واقعاً قابل تأمل است و گفته‌ی آقای نجاری هم به‌نوعی تکمیل‌کننده این تصویر تلخ، وقتی زنجان با ۱۹ هزار بازدیدکننده در نوروز ۱۴۰۴ کنار گیلان ۳۸ میلیون یا حتی قزوین ۱۸۸ هزار مقایسه می‌شود، نمی‌توان منکر شد که گردشگری در زنجان به معنای واقعی کلمه در جا زده‌است. **امامه در ستون گرامفون**

شهر می‌توان داشت؟!



نماینده ابهر و خرمدره در مجلس: مذاکرات در خدمت منافع مردم و اصلاح معیشت باشد



به گزارش ایسنا، منصور علیمردانی با اشاره به آغاز دور جدید مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا، بر لزوم رعایت اصول اساسی و خطوط قرمز ملت ایران در این مذاکرات، تأکید کرد و گفت: هدف نهایی هر مذاکراتی باید تأمین منافع مردم، کاهش فشارهای اقتصادی و بهبود معیشت باشد.وی با بیان این که امروز آمریکا با بحران‌های داخلی، اعتراضات مردمی، شکاف سیاسی و مخالفت‌های بین‌المللی با سیاست‌های یک‌جانبه‌اش دست به گریبان است، تصریح کرد: ملت ایران همواره نشان داده‌است که زیر بار زور نمی‌رود و منافع ملی خود را با اقتدار پیگیری می‌کند.

علیمردانی افزود: ما مذاکره را ابزار می‌دانیم، نه هدف. اگر مذاکراتی منجر به کاهش تحریم‌ها، رونق اقتصادی، افزایش صادرات نفت و رفع گرهای معیشتی مردم شود، مطلوب‌است. اما توافقی که به ضرر ملت و موجب تشدید فشارهای معیشتی شود هیچ‌گاه قابل قبول نخواهد بود. این نماینده مجلس تأکید کرد: محور مذاکرات باید صرفاً موضوع هسته‌ای باشد و ورود به مباحث فرابرجامی نظیر مسائل منطقه‌ای یا توان دفاعی، به زیان منافع ملت ایران است و هیچ جایگاهی در این روند ندارد.

وی ادامه داد: مردم ایران از ما انتظار دارند با عزت مذاکره کنیم، اما نتیجه‌گرایی‌نبیم. رفع تحریم‌ها به‌ویژه در حوزه‌های بانکی و نفتی، باید اولین و آخرین هدف مذاکرات باشد. ما به دنبال توافقی هستیم که مستقیماً در سفره مردم اثر بگذارد و مسیر بهبود معیشت را هموار کند.

علیمردانی با اشاره به سابقه بدعهدی آمریکا، گفت: تجربه‌های گذشته به ما آموخته‌است که تنها با گرفتن تضمین‌های حقوقی و اجرایی معتبر، راستی‌آزمایی دقیق و زمان‌بندی مشخص، می‌توان به توافقی قابل اعتماد دست یافت. مردم ایران اجازه نخواهند داد که عزت‌شان دوباره ملعبه و عده‌های توخالی شود. نماینده مردم ابهر، خرم‌دره و سلطانیه در مجلس شورای با بیان این‌که «اقتدار، عقلانیت و مردم‌پواری» سه اصل اساسی در سیاست خارجی ایران است، گفت: نمایندگان مجلس با دقت روند مذاکرات را رصد می‌کنند تا از حقوق ملت دفاع شود. ماصریحا اعلام می‌کنیم که ایران مقتدر، اهل تعامل عزتمندانه است، نه تسلیم و معامله بر سر عزت و معیشت مردم.

صاحبان ۱۸ ماینر غیر مجاز در استان زنجان نقره داغ شدند

دارالخلافه-مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان از کشف ۱۸ دستگاه ماینر غیر مجاز در راستای ۱۴ مگاپروژه برای عبور موفق از بیک تابلیستان ۱۴۰۴ خبر داد.
به گزارش ایسنا پیام جوادی‌بایان اینکه ماینرهای غیرمجاز آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به شبکه برق وارد می‌کند، اظهار کرد: باتلاش همکاران حقوقی، حراست و هماهنگی نیروی انتظامی ۱۳ مورد دستگاه ماینر غیر مجاز در شهرستان خدابنده و ۵ دستگاه نیز در زنجان کشف و ضبط شد.
وی با بیان اینکه پس از جمع‌آوری ماینرها برق مشترکان متخلف قطع شد، تصریح کرد: ۴ مورد دستگاه ماینر در شهرک صنعتی خدابنده با مصرف ملاوم ۶۵ آمپر کشف و جمع‌آوری شد. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان ادامه داد: کشف ۹ دستگاه ماینر نیز با ۱۵۰ آمپر مصرف سه فاز از یک شرکت آجرپزی کشف و متخلفان برخورد شد.
جوادی با اشاره به کشف و جمع‌آوری ۵ دستگاه ماینر غیرمجاز با مصرف بالغ بر ۱۷۵ آمپر در شهرک صنعتی علی‌آباد زنجان، عنوان کرد: یکی از مهم‌ترین آسیب‌های ماینرهای غیرمجاز، افزایش بار شبکه و بروز خاموشی‌های گسترده است. مصرف بالای برق توسط این دستگاه‌ها، به ویژه در فصول گرم سال، بار سنگینی را به شبکه تحمیل کرده و منجر به اختلال در تأمین برق پایدار برای سایر مصرف‌کنندگان می‌شود. همچنین گرم‌ای تولید شده توسط دستگاه‌های ماینر، خطر آتش‌سوزی را افزایش داده و امنیت جانی شهروندان را تهدید می‌کند. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان با بیان اینکه حفظ امنیت انرژی نیازمند همکاری همه‌جانبه‌است، خاطر نشان کرد: از شهروندان تقاضا می‌شود در صورت مشاهده هرگونه فعالیت مشکوک در زمینه استخراج غیرمجاز ارزهای دیجیتال، مراتب را از طریق تماس با سامانه ۱۲۱، سامانه پیامکی ۳۰۰۵۱۲۱ یا به شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان اطلاع دهند.

دارالخلافه– استاندار زنجان گفت: چندین شرکت بزرگ ملی و حداقل پنج کشور خارجی متقاضی سرمایه‌گذاری در استان زنجان هستند.

سید محسن صادقی در نخستین جلسه شورای اداری استان در سال جدید با تأکید بر اولویت سرمایه‌گذاری در تولید، دستگاه‌های اجرایی استان را بر اساس وظیفه‌ی ذاتی خود موظف به توجه ویژه به الزامات مورد نیاز سرمایه‌گذاری و رفع موانع آن دانست و گفت هدف گذاری انجام شده افزایش صادرات استان در سال ۱۴۰۴ یک میلیارد دلار بر آورده شده است. همه برای تحقق آن باید تلاش مضاعف نمایند.

استاندار ضمن قدردانی از اعضای ستاد خدمت‌سفرهای نوروزی، اظهار داشت: سال ۱۴۰۳ سال پر فراز و نشیبی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی امنیتی بود.

وی با اشاره به ارزشیابی دستگاه‌های اجرایی در سال گذشته، افزود: برخی از دستگاه‌ها فراتر از انتظار ظاهر شده و در بررسی‌های شاخص‌های مختلف از جمله شاخص «میزان رضایت مندی اجتماعی از خدمات دریافتی از دستگاه‌ها» جایگاه مناسبی کسب کرده‌اند. استاندار افزود: برخی سازمان‌ها در حد وظایف خود اقدام کرده و دستگاه‌هایی با تلاش کم، عملکرد قابل قبولی نداشته‌ند.

وی با تأکید بر اینکه مدیران دستگاه‌ها نسبت به اشراف دقیق روی بخش‌های مختلف سازمانی اهتمام ورزند، اضافه کرد: گاها عملکرد برخی از مدیران بخش‌ها به گونه‌ای است که عملکرد سایر بخش‌ها را نیز زیر سؤال می‌برد.

صادقی در ادامه میزان درآمدهای استانی مصوب استان زنجان را در سال گذشته ۱۷ همت اعلام کرد و خاطر نشان ساخت: بالغ بر ۱۸٫۲ همت در آمد استانی تحقق پیدا کرد.



وی با بیان اینکه حقوق دولتی معادن در استان طی سال گذشته ۱۵ همت بود که ۲٫۴۳ همت محقق شد، ادامه داد: رقم مصوب اعتبار عمرانی –هزینه‌ای نیز ۴۸ همت بود که رقمی بالغ بر ۳٫۴ همت معادل ۷۰ درصد به حساب دستگاه‌های استانی واریز شده‌است. مقام عالی دولت در استان زنجان رقم اعتبارات هزینه ای مصوب استانی را یک هزار و ۱۸۵ میلیارد تومان دانست و یادآور شد: که ۹۹ درصد از این مبلغ تخصیص پیدا کرده‌است.

وی با اشاره به اینکه رقم اعتبارات عمرانی استان در سال گذشته ۳ هزار و ۶۱۵ میلیارد تومان بود که ۶۳٫۵ درصد آن تخصیص یافت، ابراز داشت: این رقم نیز با توجه به شرایط کنونی تخصیص قابل قبولی است.

صادقی با بیان اینکه ۲ هزار و ۱۶۵ میلیارد تومان مالیات بر ارزش افزوده به حساب شهرداری‌ها و دهیاری‌ها واریز شده که از این میزان ۶۶۸ میلیارد تومان به حساب دهیاری‌ها و یک هزار و ۲۸۷ میلیارد تومان به حساب شهرداری‌ها واریز شده است، تأکید داشت: باید تأثیر

استاندار زنجان خیر داد:

استقبال کشورهای بزرگ اقتصادی از سرمایه‌گذاری در استان



این اعتبارات به ویژه در شهرداری‌های شهرهای استان به‌خوبی مدیریت و تفسیر سیمای شهیر برای مردم قابل مشاهده‌باشد.

این مقام مسئول افزود در دستگاه‌ها موظف‌اند اولویت‌های خود را در سال ۱۴۰۴ را با ترسیم وضع موجود بر اساس شاخص‌های شفافیت و پاسخگویی مدیریت نوآوری خلاصیت و توسعه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و نه‌اینا پیشرفت استان تعیین و به‌دفا تر ذیربط استانداری اعلام نمایند.

توسعه‌دایر و کشور‌های خارجی متقاضی سرمایه‌گذاری در استان زنجان

دکتر صادقی با اشاره به اینکه استان زنجان از نظر محیط کسب و کار یکی از استان‌های مستعد برای سرمایه‌گذاری و تولید در کشور شناخته شده است، خاطر نشان نمود: امسال دهها شرکت بزرگ ملی و حداقل چند کشور بزرگ اقتصادی متقاضی سرمایه‌گذاری در استان زنجان هستند.

این مسئول با اشاره به فراهم بودن شرایط لازم برای

سرمایه‌گذاری در استان، گفت: بر اساس آخرین داده‌های منتشر شده ملی، زنجان سومین رتبه را در کشور و در شاخص ایجاد محیط کسب و کار به خود اختصاص داده است.

وی یکی از گام‌ها را در راستای افزایش سرمایه‌گذاری و تولید تکمیل زنجیره ارزش صنایع راهبردی مثل صنایع نساجی، پوشاک، برق و الکترونیک، شیمیایی، سلولزی و کاغذ، تکمیل زنجیره‌های صنعت حمل و نقل در حوزه ریلی و هوایی اعلام کرد و افزود: تکمیل زنجیره مسکن و ساختمان با رویکرد نهضت ملی مسکن، فعال‌شدن منطقه ویژه اقتصادی و توسعه صنعت گردشگری نیز در اولویت خواهد بود.

صادقی با تأکید بر اینکه ساماندهی زنجیره تکمیل محصولات دارای مزیت مثل زیتون و کشمش هم در سال جاری مد نظر برنامه‌ریزی‌ها است، ادامه داد: بر اساس هدف‌گذاری‌ها ۲ هزار و ۵۰۰ مگاوات برق یا انرژی تجدیدپذیر تولید خواهد شد که زمینه سرمایه‌گذاری برای ۲ هزار مگاوات آن فراهم شده‌است. وی مهم‌ترین اولویت را در استان زنجان طی سال جاری تأمین منابع آب پایدار، کنترل آب زیرزمینی و سطحی در استان زنجان بر شمرده و تصریح کرد: امروز ما با ضعف برنامه‌ی استراتژی‌های فوق‌العاده روبرو هستیم که باید آنها را محقق کنیم.

استاندار زنجان همچنین اظهار داشت: تغییرات مدیریتی استان زنجان تا دیپان ماه‌های آتی به پایان می‌رسد و همه‌مدیران بر اساس نتایج ارزشیابی‌های به‌عمل آمده تثبیت‌شده و یا تغییر می‌یابند.

مقام عالی اجرایی استان در پایان این نشست تأکید کرد: قطعاً ثبات مدیریتی در استان نقش مؤثری خواهد داشت.



نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس:

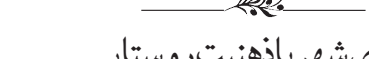
خاک و آب و هوای زنجان آلوده‌است



دارالخلافه–نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی در نطق پیش از دستور خود با انتقاد از عملکرد محیط زیست کشور، گفت: اصل پنجاه‌قانون اساسی در استان و شهر زنجان زیر پا گذاشته‌شده

است. دکتر نبی اله محمدی در نطق روز دوشنبه خود افزود: به خاطر فعالیت‌های بعضی از صنایع مستقر در زنجان، آب خاک و هوای زنجان آلوده است. وی عنوان کرد: زنجان به باران‌زا پسماند روی کشور های خارجی تبدیل شده‌است.

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی همچنین در بخش دیگری از نطق پیش از دستور خود خاطر نشان کرد: مصاحبه‌های استخدای دستگاه‌های اجرایی در مراکز استان‌ها با احتمال سوگیری همراه است لذا خواهشمند است در جهت رعایت عدالت استخدامی مصاحبه‌ها به صورت متمرکز انجام بگیرد.



اداره‌ی شهر با ذهنیت روستایی

حسین نجاری

..و تا چشم کار می‌کند پارچه‌های سیاه و پرچم‌های عزاست که پیوسته در اهتزازند، مگر در چه برهه‌ای از تاریخ واقع شد.مایم که زیر آوار این همه عزا گرفتاریم.در کنار پرچم‌های عزا مظاهر مقاومت، معابر و میدانی شهر رافتح کرده‌اند، تو گوئی ملام در جبهه‌ی نبردیم و لاندگی از خط مقدم عقب نمی‌آییم، تمام شهر، خط مقدم است و شهروندان به جای شهر در دل جنگ‌اند.و در جغرافیای جبهه می‌زنی‌اند!

طبیعی است در جامعه‌ی دینی و سنتی منویات و مناسک مذهبی جایگاهی دارند ولی وقتی تمام ماها که محرم می‌شوند جایی برای دیگری باقی نمی‌ماند، بساط نشاط برچیده می‌شود و بلندگوهای تبلیغاتی در یک کارکرد دو قطبی‌ساز، محور مقاومت مدنی را علیه خود بر می‌انگیزند. باید در مناسبات مذهبی آن هم با رویکردی

معنوی و زیباشناسانه به تبلیغ جنبه‌های اخلاقی دین پرداخت تا موجب دلزدگی عمومی نشود ولی به هر بهانه‌ای شهر را تبدیل به مسجد و پایگاه و یادگان کردن یک خطای استراتژیک است. این انکار سلاقی گوناگون اکثریت مطلق، به هم ریختن کلورژی شهر و نیز غیر طبیعی کردن جامعه‌ی پیچیده‌ی معاصر است، انکار نگاه زیباشناسانه‌ی امروز که درک بی‌واسطه‌ای از زیست شهروندان جهان دارد و بدیهی است که افراط بی‌رویه در امری، همه چیز را به ضد آن بر می‌انگیزد. در غایت امر به زوال آن می‌انجامد.

شهر برای زندگی زیباشناسانه‌ی شهروندان است و نباید شهر و زیبایی را از یکدیگر جدا کرد، روشن است که شهر به روزها و شب‌هایش زیباست و دروغا که ما از درک شهر با شاعرانه‌گی‌اش ناتوانیم و از ژرفای زندگی شهری بی‌خبریم، زیرا ما از جامعه‌ی شناسی شهر چیزی نمی‌دانیم و از این روست که آن را با میدان جنگ اشتباه گرفته و تمام بیلورها و فضاهای تبلیغاتی آن را در انحصار جریان جنگ‌جویانه قرار داده‌ایم.

هولدرلین می‌گوید انسان باید شاعرانه روی زمین زندگی کند و راز سعادت بشریت در همین نکته‌ی زیباشناسانه است ولی ما شهر را تهی از شاعرانگی نموده و فراموش کرده‌ایم. طبیعتی شهر و رویکرد زیباشناسانه از میزان خشونت‌های خیابانی و از حجم نراز و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌کاهد و نیز از یاد برده‌ایم که تجلی هنر و نگاه زیباشناسانه در حکم اکسیژنی است که نیاز اصلی ریه‌های آسیب‌دیده‌ی شهر و جامعه‌ی بحران‌زده‌ی امروز ایران است.

با بخشنامه و دستورات دیوانی نمی‌توان از وقوع جرایم در جامعه‌ی پر از تشویش و اضطراب امروز کاست. باید فضا را برای زیباشناسانه فراهم کرد و از آلام جامعه‌ی در حال احتضار فرو کاست. باید در یک فرایند بلند همت جامعه را از حضيض احتضار بالا آورد و بر ارتقای کیفیت زندگی جمعی آن همت گماشت، لازمه‌ی چنین امری نگاه‌مدرن مدیریتی در اداره‌ی امور است. باید، تحولات جهان را دید و برای تغییر خود به پا خاست و اوضاع اجتماعی را متحول نمود.

شهردنلو شهروندی معناست و اهمیت شهر به شهروندان آن است، همان اصلی که در نزد دستگاه‌های به‌روز نشده‌ی ناکارآمد بهایی ندارد. آن‌هایی که نه‌درکی از جامعه‌شناسی شهر دارند، نه به حقوق شهروند اقبالند، نه اهمیت معماری و پیاده‌راه‌و... را در نهاد شهر می‌دانند. بیلوردهای شهری را برای امور فرهنگی، هنری و آموزشی به رسمیت می‌شناسند و نه نام‌گذاری‌های فرهنگی، تاریخی و قعی می‌نهند. آن‌هایی که شهر نشینان غیر مردانند و با ذهنیت روستایی به اداره‌ی شهر می‌پردازند.



شهر ارواح در نوروز باستانی

«زنجان» در سایه گردشگری؛ سهم ۰.۰۵ درصدی از اقامت‌های نوروزی کشور



پاسخگوی تقاضای نوروزی نیست. برای نمونه، در نوروز ۱۴۰۴، ۹۳٬۳۸۱ نفر در اقامتگاه‌های غیر رسمی اسکان یافتند که خطرات بهداشتی و امنیتی این مراکز راه به چالشی جدی تبدیل کرده است. از سوی دیگر، نبود هتل‌های ۴ و ۵ ستاره، امکان جذب گردشگران خارجی با برگرزای همایش‌های بین‌المللی را از بین برده‌است.

حتی زیرساخت‌های حمل و نقل نیز ضعیف است؛ فقدان فرودگاه بین‌المللی و ناکارآمدی سیستم اتوبوس رانی بین شهری، دسترسی به زنجان را دشوار می‌کند. افزون بر این، الگوی سفر گذری به دلیل موقعیت جغرافیایی استان (واقع در مسیر شمال-غرب کشور) باعث شده ۷۰ درصد گردشگران، زنجان را تنها به عنوان ایستگاهی موقت برای استراحت انتخاب کنند.

و کمتر از ۱۵ شب در آن اقامت داشته باشند. این موضوع در آملدزایی را به شدت کاهش می‌دهد، چرا که گردشگران هزینه‌ای برای بازدید از جاذبه‌های جانبی یا خرید صنایع دستی محلی (مانند چاروق)

نمی‌پردازند. در نهایت، نبود تنوع در برنامه‌های گردشگری (مانند تورهای طبیعت‌گردی، اکوتوریسم، یا گردشگری ماجراجویانه) باعث شده زنجان نتواند از جاذبه‌های پنهانی مانند آبشار شارشار یا دشت‌های شایقی سلطنتی بهره‌بردار ی‌کند.

راهکارهای بهبود سهم زنجان در اقتصاد گردشگری
استان زنجان برای خروج از حاشیه‌نشینی در صنعت گردشگری کشور، نیازمند تحولی استراتژیک در دو محور بازاریابی و هوشمند و توسعه زیرساخت‌های پایدار است. نخستین گام، بازتعریف برند گردشگری استان با تمرکز بر جاذبه‌های منحصر به‌فردی مانند گنبد

استان زنجان با وجود دارا بودن جاذبه‌های تاریخی و طبیعی منحصر به‌فرد، در جذب گردشگران نوروزی و سهم‌گیری از اقتصاد گردشگری کشور با چالش‌های ساختاری عمیقی روبه‌روست. نخستین و حیاتی‌ترین مشکل، ضعف مزمن در بازاریابی و برندسازی است. گنبد سلطانی، به عنوان یکی از شاهکارهای معماری جهان و ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، نه تنها در سطح بین‌المللی ناشناخته‌مانده، بلکه حتی در داخل ایران نیز جایگاهی هم‌تراز با تخت جمشید یا میدان نقش جهان اصفهان ندارد. بررسی محتوای دیجیتال نشان می‌دهد تنها ۱۵ درصد از پست‌های مرتبط با گردشگری ایران در شبکه‌های اجتماعی به زنجان اشاره دارند، در حالی که این رقم برای اصفهان ۲۵ درصد می‌رسد.

افزون بر این، نبود حضور فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی گردشگری و عدم همکاری با آژانس‌های مسافرتی معتبر، باعث شده زنجان از برچرخه تورهای خارجی حذف‌شود. حتی در جذب گردشگران داخلی، استان به دلیل نبود کمپین‌های خلاقانه (مانند «پارادایس گمشده ایران» برای یزد) یا برنامه‌های رویداده‌محور (مثل جشنواره کلاب‌گیری کاشان) نتوانسته توجه عمومی را جلب کند.

این در حالی است که جاذبه‌هایی مانند غار کتله‌خور (طولانی‌ترین غار آهکی جهان) یا مردان نمکی (با قدمت ۲۰۰۰ ساله) پتانسیل تبدیل شدن به نمادهای ملی را دارند. اما به دلیل نبود روایتگری مؤثر، به حاشیه رانده شده‌اند. دومین چالش بزرگ، زیرساخت‌های فرسوده و ناکافی است. آمارها نشان می‌دهد تنها ۵۰ اقامتگاه رسمی در کل استان وجود دارد که این مقدار



گردشگری ثبت‌شده در کشور، زنجان سهمی کمتر از ۰۴ درصد دارد.

با فرض میانگین هزینه‌ی هر گردشگر ۲ میلیون تومان (اقامت، غذا، خرید)، استان زنجان حدود ۵۳۷ میلیارد تومان درآمداز گردشگری نوروزی کسب کرد. این رقم تنها ۰.۰۲ درصد از کل درآمد گردشگری کشور (برآورد ۲۶۸۵۰۰ میلیارد تومانی) را تشکیل می‌دهد.

بر اساس مطالعات دانشگاه زنجان، هر ۱۰۰۰ گردشگر حدود ۱۵ شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد می‌کند. با این حساب، زنجان تنها ۴۰۳ شغل در نوروز ۱۴۰۴ ایجاد کرد. طبق سند ملی، ایران باید سالانه ۲۰ میلیون گردشگر جذب کند، اما سهم زنجان از این هدف کمتر از ۰.۱ درصد است.

چالش‌های کلیدی زنجان در گردشگری

جهان بدون بار گاس

مهدی یزادنی خرم

جهان بدون بارگاس یوسا جهانی است که باید به آن خو کنیم. شیفته‌اش بودم او به بسیاری از ما جسارت تاریخ‌کشی داد. چند نویسنده می‌شناسید که توان خلاصه‌شان کرد؟ و من در تلخیص این لیبرال کبیر الکن‌ام از دنده‌ی چپ، آن روح همیشه محقِ آمریکای لاتین برآمد و به دشمن‌شان تبدیل شد. چریک‌ها را خوش داشت اما در «مرگ در آند» آن‌ها را طرد کرد. بین مادرید و لیما می‌زیست، روح لاتین و درک اسپانیایی و رویای فرانسوی‌اش او را ساخت. «سور بو»، «جنگ آخرالزمان» و البته «خانه‌ی سبز» بدن‌ها را لرزاند. اما «گفت‌وگو در کاتدرال» ناقوس بلندی بود که هنوز می‌کوبد و می‌زباند ذهن‌ها را. «عصر قهرمان» (سال‌های سگی) الگوی فکر بود و «رویای سلط» نمایش پیچیده‌گی نولای «درستایش نامادری» رستاخیز او تریسم بود و بدن، رمان‌های کم‌جان‌تر هم داشت. رمان‌هایی که «بد»های او شدند مانند «قهرمانِ فروتن» اما او همیشه بازگشت، «روزگار سخت» نشان داددر هشتادوسه‌سالگی هنوز طراوت دارد قلم‌اش اتو بیوگرافی «ماهی در آب» عیش ملذام شد و «چه‌کسی پالمیرو مولیرو را کشت؟» توان‌نمایی بود دربارهی خشونت و معما. بارگاس یوسا پنج دهه هر هفته در روزنامه‌ی «دل‌پایس» ستون نوشت. متن‌اش دریابری سفرحسین روحانی به‌ایتالیای نظیر بودالوته‌تجلیل‌اش از حمله‌ی آمریکا به عراق را شجاعانه تغییر داد. مردی که جام‌جهانی «۱۹۸۲» را خبرنگاری کرد دو بار نامزد ریاست‌جمهوری پرو شد. یک بار با اختلاف ناچیز به «فوجی موری» باخت. چندسال پیش مشخص شد در آن انتخابات تقلب شده بود یو بارگاس یوسا می‌توانست رئیس‌جمهور شود و چه خوب که «نشند». آن‌قدر پرسه زد، جستار و روایت نوشت که انگار سی صد سال زیسته هوگو و فلوبر و همین‌گویی را بازنمایی کرد ولی از سیاست‌نگریخت. مردی که خوش‌سیمایی‌اش او را به بازی گران شبیه کرد و باعث شد تا اثر هم اجرا ببرد شیفته‌ی شهرت بود و ابایی نداشت از دوربین‌ها. مرگ او مرگ یک سبک است، یک جستار و یک ذهن پرخون. بارگاس یوسا نشان داد که می‌شود تاریخ را نوشت و در آغوش انقلابی‌گری و سرخ بودن نیفتاد. او نقطه‌ی مقابل مارکز و البته فونتنس بود. مردی که در تمام آثارش نسبت به انقلاب تردید کرد ولی به هیچ دیکتاتوری باج نداد. او «قصه‌گو» بود و بی‌هراس از قضاوت‌کردن.

حالا در ۸۹ ساله‌گی و بعد کتاب آخر سکوت‌اش را به ما تقدیم کرد و به ارواح غول‌هایی پیوست که سال‌ها با او بیره‌ای جوان ادبیات آمریکای لاتین را ساختند. قرن بیستم و شکوه‌اش با مرگ بارگاس یوسا تمام شد. بارگاس یوسا سه برابره مر نویسنده‌ی جنگید و این نبرد است که چنین رستگارش کرد.

پیچیدگی

سرپرست‌اداره کل بهزیستی استان: طبقه‌بندی معلولیت‌هار و بکرد اثر گذار بهزیستی است

سرپرست اداره کل بهزیستی استان زنجان از بررسی ۳۲۸۲ پرونده تشخیص معلولیت در ۱۳۶ جلسه کمیسیون پزشکی ICF در سال گذشته خبر دادو گفت: هدف از این برنامه حمایت از افراد دارای معلولیت و ارائه خدمات بر اساس نوع و شدت معلولیت فرد برای دریافت خدمات، مستمری، حق پرستاری و… است.

مریم کریمی روز شنبه ۲۳ فروردین در جمع خبرنگاران، افزود در صورت تأیید معلولیت فرد در سامانه کمیسیون پزشکی، پیگیری از حراست جهت صدور کارت شناسایی معلولیت صورت می‌گیرد که در سال گذشته برای ۱۸۷۴ نفر کارت معلولیت صادر شده است.

وی یادآور شد: پس از تأیید معلولیت فرد در سامانه کمیسیون پزشکی، کارت شناسایی صادر می‌شود فرد معلول می‌تواند از مزایایی مانند معافیت‌های سربازی، دریافت وام اشتغال، بابت نیم بهای هواپیما در بخش دولتی، خدمات آموزشی دانشگاه در چهارچوب مقررات و ضوابط و… برخوردار شود.

کریمی به لزوم برگزاری دوره‌های بازآموزی برای به‌روزرسانی تشخیص و تعیین درصدمعلولیت بر اساس آخرین دستورالعمل‌ها و ابزار اعضای کمیسیون اشاره کرد و گفت طبقه‌بندی معلولیت‌ها رویکردگر گذار بهزیستی است و بالندگی جامعه هدف در گروی نگاهی منطقی و علمی به این موضوع است و دوره‌های آموزشی در سال گذشته برای کارشناسان برگزار شده است.

سرپرست‌اداره کل بهزیستی استان زنجان درباره پرداخت کمک‌هزینه به افرادی معلولیت، عنوان کرد بهزیستی با پرداخت چهار عنوان کمک‌هزینه شامل کمک‌هزینه توانبخشی (مستمری)، کمک‌هزینه معیشت افرادی معلولیت بسیار شدید یا شدید بافاقد شغل و درآمد، کمک‌هزینه حق پرستاری و مددکاری افرادی معلولیت و همچنین کمک‌هزینه حق پرستاری افرادی آسیب نخلعی به‌جامعه هدف خدمت‌رسانی می‌کند.

موج‌بیداری

ماریوبارگاس یوسا نویسنده پرویی -اسپانیایی و برنده‌ی جایزه نوبل ادبیات، که آثارش بر شرارت‌های نظام‌های تمامیت‌خواه تمرکز داشت و زمانی نیز برای ریاست‌جمهوری نامزد شده بود، در سن ۸۹سالگی درگذشت. یوسا که در سال ۱۹۳۶ در پرو متولد شده، بازماندهی نسل طلایی غول‌های ادبی آمریکای لاتین است، که در سال ۱۹۹۳ تابعیت اسپانیا را گرفت. او در حالی به خاطر ترسیم واقعیت‌های اجتماعی تحسین شده است که در محافل روشنفکری آمریکای لاتین به خاطر مواضع محافظه‌کارانه‌اش اغلب مورد انتقاد قرار می‌گیرد. «یوسا» یکی از چهره‌های نسل درخشانی است که شامل چهره‌های بزرگی چون «گابریل گارسیا ماکز» و «خولیو کورتازار» می‌شود.

از مهم‌ترین آثار او می‌توان به «سال‌های سگی» (۱۹۶۶)، «جنگ آخرالزمان» (۱۹۸۴)، «مرگ در آند» (۱۹۹۶) و «سور بو» (۲۰۰۲) و همچنین «سردسته‌ها»، «گفت‌وگو در کاتدرال»، «زندگی واقعی آلدناردو مایتا»، «در ستایش نامادری»، «راه بهشت»، «چرا ادبیات؟» و «دوشیزه خانم تاکنه» اشاره کرد. یوسا در سال ۲۰۰۸ نشان عالی هنر و ادبیات فرانسه را دریافت کرد. او که جایزه ادبی «دن‌کیشوت» در کارنامه افتخارآتش به چشم می‌خورد، در سال ۱۹۹۵ توانست جایزه سرواتنس، مهم‌ترین جایزه ادبی نویسندگان اسپانیولی زبان را از آن خود کند و همچنین در سال ۱۹۹۶ برنده‌ی جایزه صلح آلمان شد. او روز هفتم اکتبر سال ۲۰۱۰ در حالی برنده جایزه نوبل ادبیات شد که حدود ۲۰ سال به عنوان یکی از کاندیداهای این جایزه پرافتخار شناخته‌می‌شد.

شهرت جهانی ماریو بارگاس یوسا با انتشار رمان «زندگی سگی» آغاز شد و او در اثر، تجربه‌های تلخ دوران تحصیل در مدرسه نظامی را به ثبت رساند. بسیاری از آثار یوسا به فارسی برگزیده شده است از جمله گفت‌وگو در کاتدرال، سال‌های سگی، سوربز، دوئل و زن وسطی و زمان قهرمان بود.

یوسا ابتدا نویسنده‌ای چپ‌گرا بود که از کمونیسم حمایت می‌کرد و طرفدار انقلاب کوبا بود. اما بعداً متفلسر سخت رهبران چپ و به اعتقاد خودش دیکتاتور آمریکای لاتین شد. کتاب زندگی سگی آغازی بر ورود او به جنبش بزرگ و تأثیر گذار ادبیات آمریکای لاتین، موسوم به «پوم» بود. جنبش بوم از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی آغاز شد و نگاه جهان را متوجه ادبیات و مسائل اجتماعی این قاره کرد. در این دوره، نویسندگانی مانند گابریل گارسیا مارکز، کارلوس فونتنس و خولیو کورتازار در کنار ماریو بارگاس یوسا نویسندگان آمریکای لاتین را از سر شکل دادند. یو با وجود اشتراکات مفهومی میان نویسندگان این دوره که بیشتر با پرداختن به رنج‌ها، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که بر مردم بومی آمریکای لاتین گذشته، شناخته می‌شوند. آثار یوسا از نظر سبک تفاوت‌های اساسی با سایر نویسندگان جنبش «پوم» دارد.

یوسا برخلاف بسیاری از چهره‌های این جریان چون گابریل گارسیا مارکز، پیرو سبک رئالیسم جادویی نیست و واقعیت را با عناصر جادویی ترکیب نمی‌کند. گرچه تخیل در آثار او نقش مهمی ایفای می‌کند. اما همان‌طور که خود گفته، تخیل او بر پایه واقعیت است.

یوسا برای خلق داستان‌هایش از شخصیت‌های واقعی الهام می‌گرفت و سبک او ترکیبی از تبوع داستان‌نویس و دقت زندگی نامه‌نویس است.

یوسا با مجموعه‌ای غنی از آثار خود یکی از توانمندترین و موفق‌ترین نویسندگان آمریکای لاتین به شمار می‌رود. برخی از آثار او چون خانه سبز، گفتگو در کاتدرال، خاله خولیا و نویسنده و جنگ آخرالزمان در شمار برترین نمونه‌های داستان‌نویسی در آمریکای لاتین جای گرفته و نویسنده را در کنار دو چهره‌ی برجسته ادبیات آمریکای لاتین، یعنی گابریل گارسیا مارکز و کارلوس فونتنس قرار داده است.

این نویسنده در مصاحبه‌ای با مجله‌ی «پاریس ریویو» در سال ۱۹۹۰ گفت: اگر نمی‌نوشتم، بدون هیچ تردیدی مغز مرا منقرض می‌کردم.

نویسنده‌ی برای بارگاس یوسا همیشه سلاحی در برابر ناامیدی و استبداد بوده است و آثار او همواره تلاشی برای مقابله با امواج جریان‌ات سیاسی و فکری آسیب‌زا بوده‌اند. او مدافع آزادی‌های فردی و دموکراسی در آمریکای لاتین است و انتقادهای تندش از مقام‌های سیاسی، دشمنانی را چه در میان سوسیالیست‌ها و چه میان محافظه‌کاران برای او به وجود آورده است. به عقیده‌ی یوسا، مورد احترام‌ترین خصیصه در انسان‌ها، تمامیت و ثبات قدم است و در حالی که بافشاری او بر گفتن یا انجام دقیق و بدون کم و کسر باورهای خود باعث به وجود آمدن مشکلاتی در زندگی شخصی‌اش شده، اما مهم‌ترین عنصر سازنده‌ی دوران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرامرز نجاری

رییس شورای سردبیری: حسین نجاری
لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

نشانی: زنجان، خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای خیابان انقلاب اسلامی، پلاک ۳۴
تلفن: ۳۳۵۸۱۷۰، کد پستی: ۴۵۱۸۳۳۷۹

پایان خالق سال‌های سگی

ماریو بارگاس یوسا، نویسنده‌ای که نوشتن، زندگی‌اش بود



حرفه‌ای نویسنده‌گی او نیز بوده است.

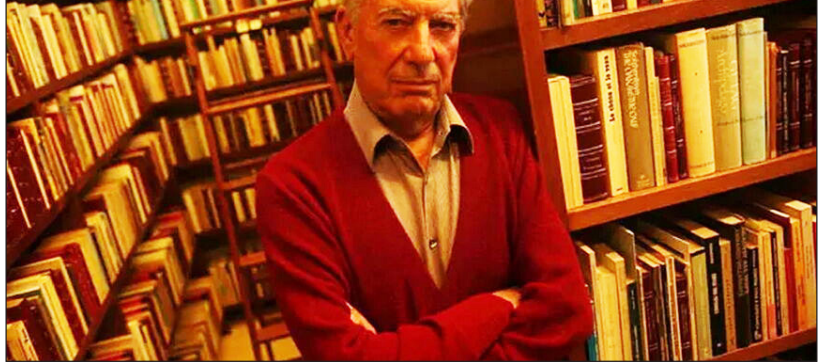
بارگاس یوسا تاده‌سالگی، در کنار اعضای خانواده‌ی مادرش که افرادی خوش‌مشرَب از طبقه‌ی متوسط اجتماع بودند، از دوران کودکی لذت می‌برد. پدر بزرگ و مادر بزرگ، و دایی‌ها و خاله‌های ماریو با کارهای عجیب‌و‌غریب مهارت‌نابر‌خورد می‌کردند؛ کارهایی مثل جاسوسی از آدم‌های روی درخت یا آوردن تمام هم‌کلاسی‌هایش به‌خانه برای خوردن چای! به ماریو گفته بودند که پدرش در آسمان زندگی می‌کند. و او هر شب قبل از خواب، عکسی از پدر ارامی بوسید. اما حقیقت این بود که پدرش، ارنستو بارگاس، زنده بود! ارنستو چند ماه قبل از به دنیا آمدن فرزندش، مادر ماریو یعنی دورا یوسا را ترک کرده بود. اما در سال ۱۹۶۶، ارنستو و دورا دوباره به هم بازگشتند و ماریو را به شهر لیما، پایتخت پرو، بردند.

بارگاس یوسا دربارهی ی این زمان می‌گوید: در زمانی که قرار شد با پدرم زندگی کنم، خیلی تنها بودم و احساس بیگانگی می‌کردم؛ از افرادی دور افتاده بودم که خانواده‌ام بودند. در آن زمان، کتاب خواندن نجات‌ده بود. او خود را در رمان‌های نویسندگانی چون الکساندر دوما، ویکتور هوگو، چارلز دیکنز و اونوره دو بالزاک غرق کرده بود و رویای یک زندگی سرشار از ماجراجویی را در سر می‌پروراند. یوسا در این باره می‌گوید: این راه شگفت‌انگیزی برای فرار از شرایط وحشتناکی بود که داشتیم. بارگاس یوسا در کتاب «ماهی در آب» که شرح حال زندگی او است، در مورد این شرایط وحشتناک می‌نویسد: وقتی پدرم تنگم می‌زد، از نظر روحی از هم می‌پاشیدم و ترس بارها مرا وادار می‌کرد که با دستنایتی گرده‌ی با التماس از او تقاضای بخشش کنم. اما این کار من، او را آرام نمی‌کرد. او به تنگ زدن من و فریاد کشیدن ادامه می‌داد و تهدید می‌کرد که به محض رسیدن به سن قانونی، من را به ارتش خواهد فرستاد تا در مسیر درست قرار بگیرم. وقتی که نمایش تمام می‌شد و وقت آن رسیده بود که مرا در اتاق حبس کنند، نه در دردمش و لنگه‌ها بلکه خشم و انزجار از خودم باعث می‌شد شب را نخوابم و بی‌عدالتی‌هایی که بر مردم بومی آمریکای لاتین گذشته، شناخته می‌شوند. آثار یوسا از نظر سبک تفاوت‌های اساسی با سایر نویسندگان جنبش «پوم» دارد.

یوسا برخلاف بسیاری از چهره‌های این جریان چون گابریل گارسیا مارکز، پیرو سبک رئالیسم جادویی نیست و واقعیت را با عناصر جادویی ترکیب نمی‌کند. گرچه تخیل در آثار او نقش مهمی ایفای می‌کند. اما همان‌طور که خود گفته، تخیل او بر پایه واقعیت است. یوسا برای ی خلق داستان‌هایش از شخصیت‌های واقعی الهام می‌گرفت و سبک او ترکیبی از تبوع داستان‌نویس و دقت زندگی نامه‌نویس است.

یوسا با مجموعه‌ای غنی از آثار خود یکی از توانمندترین و موفق‌ترین نویسندگان آمریکای لاتین به شمار می‌رود. برخی از آثار او چون خانه سبز، گفتگو در کاتدرال، خاله خولیا و نویسنده و جنگ آخرالزمان در شمار برترین نمونه‌های داستان‌نویسی در آمریکای لاتین جای گرفته و نویسنده را در کنار دو چهره‌ی برجسته ادبیات آمریکای لاتین، یعنی گابریل گارسیا مارکز و کارلوس فونتنس قرار داده است.

این نویسنده در مصاحبه‌ای با مجله‌ی «پاریس ریویو» در سال ۱۹۹۰ گفت: اگر نمی‌نوشتم، بدون هیچ تردیدی مغز مرا منقرض می‌کردم.



موج‌بیداری

رییس اتاق بازرگانی زنجان از پایش مستمر عملکرد تشکل‌های ذیل اتاق بازرگانی این استان خبر داد

اعلانات -رییس اتاق بازرگانی زنجان از پایش مستمر عملکرد تشکل‌های ذیل اتاق بازرگانی این استان خبر داد. به گزارش روابط عمومی اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی زنجان نشست سه‌لاسه اعضای هیات‌مدیر تشکل‌های ذیل اتاق بازرگانی زنجان

با حضور صمد یوسفی‌اصل؛ رئیس اتاق بازرگانی زنجان به‌منظور ارائه عملکرد سال ۱۴۰۳ و برنامه‌های پیشنهادی در سال جاری بر گزار شد.

یوسفی‌اصل ضمن تبریک فرارسیدن سال‌نوا بایان اینکه ۱۷ انجمن و تشکل ذیل اتاق بازرگانی زنجان فعالیت می‌کنند، اظهار کرد: انجمن‌ها، بازوهای اجرایی اتاق بازرگانی هستند.

وی بایان اینکه اتاق بازرگانی زنجان از هیچ کمکی برای پیشبرد اهداف تشکل‌ها دریغ نمی‌کند، تصریح کرد: انجمن‌ها بال‌های پرواز این اتاق محسوب می‌شوند.

یوسفی‌اصل در ادامه با اشاره به اینکه با تلاش‌های مجموعه اتاق بازرگانی زنجان طبق گزارش و عملکرد شوراهای گفتگوی دولت و بخش خصوصی، استان زنجان موفق به کسب رتبه هفتم کشوری شده است، گفت: در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ در رتبه ۲۶ کشوری قرار داشتیم که در حال حاضر این رتبه ۱۰ پله ارتقا یافته است. رییس اتاق بازرگانی زنجان با تاکید بر اخصای مشکلات انجمن‌ها به همت تشکل‌ها و تلاش در جهت رفع آن‌ها در شورای گفتگوی استان افزود: همچنین ارتباط با تشکل‌های ملی و استانی به منظور افزایش تعاملات، موثر است.

وی با بیان اینکه از حضور تخصصی انجمن‌ها در نمایشگاه‌ها و همایش‌ها استقبال می‌کنیم، یادآور شد: امیدواریم در سال پیش‌روی برنامه محور عمل کرده و گامی کوچک در راستای خدمت به مردم زنجان برداریم. رئیس اتاق بازرگانی زنجان در پایان با اشاره به پایش مداوم عملکرد انجمن‌های ذیل این مجموعه گفت: تشکل‌ها نیز می‌بایست اطلاع‌رسانی شفاف و دقیق درباره عملکرد خود داشته‌باشند.

تاکید بر تشکیل مجامع عمومی سه‌پایانه افزایش تعامل با اتاق بازرگانی، خدمات مشاوره و تخصصی تشکل‌ها، معرفی مناسب تشکل‌ها، ارتباط با تشکل‌های ملی و رتبه‌بندی تشکل‌ها به‌سرانجام رساندن انجمن‌های استان نظیر زیتون، کشمش، سیب‌زمینی، ماهی و…، برگزاری دوره‌های آموزشی برای روسای تشکل‌ها، حضور در مجموعه‌های کارآفرینی و تجلیل از کارآفرینان برتر استان، برگزاری دوره‌های آموزشی برای اقشار مختلف، عرضه‌یابی و تلاش برای حل مشکلات و معضلات در حوزه معدن، آموزش تجار تازه کار، حضور فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی و ایجاد شهرک صنعتی تخصصی فرش از موضوعات مطرح شده توسط روسای تشکل‌ها در این جلسه بود.

انتقال بیش از ۲۸۲ میلیون لیتر انواع فرآورده‌های نفتی در منطقه شمالغرب

اعلانات -معاون عملیات منطقه شمالغرب گفت: در ایام تعطیلات نوروز سال جاری بیش از ۲۸۲ میلیون لیتر انواع فرآورده های نفتی مورد نیاز شمالغرب کشور از طریق خطوط لوله منطقه شمالغرب منتقل شده است.

اعلانات -معاون عملیات منطقه شمالغرب گفت: در ایام تعطیلات نوروز سال جاری بیش از ۲۸۲ میلیون لیتر انواع فرآورده های نفتی مورد نیاز شمالغرب کشور از طریق خطوط لوله منطقه شمالغرب منتقل شده است. شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران - منطقه شمالغرب «روح‌اله و زیری با اعلام خبر فوق گفت: از ابتدای آغاز تعطیلات نوروزی بیش از ۲۸۲ میلیون ۴۱۹ هزار لیتر انواع فرآورده های نفتی در این منطقه انتقال داده شده ، که در این میان ۴۴ میلیون ۷۱۳ هزار لیتر سوخت مایع به سه نیروگاه سیکل ترکیبی ارومیه ،سبلان اردبیل و سلطانیه زنجان منتقل شده است.وی همچنین افزود در بازه زمانی مذکور ۲۷۶ میلیون و ۳۱۱ هزار لیتر نیز نفت خام توسط این منطقه انتقال داده شده است.معاون عملیات منطقه شمالغرب ضمن تقدیر از تمامی همکارانی که در وظیفه انتقال پایدار مواد نفتی شبانه روز در تلاش هستند افزود: این حجم از انتقال در پهنای شش استان شمالغرب کشور شامل البرز، زنجان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل می‌ باشد

خانواده‌های محترم داداشی و استدی
درگذشت ناگهانی مرحوم ربیععلی داداشی را به شما خانواده‌های شریف تسلیت می‌گویم. از خداوند متعال برای آن عزیز دست‌رفته رحمت و مغفرت و تبرای یکایک داغدیدگان صبر و سلامتی آرزومندیم <p>موج بیداری</p>

برترین آثار بارگاس یوسا، زبان سخت‌تر و پیچیده‌تری از بهترین کتاب‌های گارسیا مارکز دارند. او به نسبت مارکز، خشن‌تر، زک‌تر و عصبی‌تر است و احساسات کمتری را از خود نشان می‌دهد. تعداد رمان‌های بارگاس یوسا آن‌قدر زیاد بوده- در مجموع ۱۸ رمان-که آثار برتر گاهی در میان آثار معمولی‌تر او گم می‌شوند. علاوه بر این‌ها، رفتار خاص این نویسنده در انتظار عمومی نیز کمکی به این مسئله نکرده است.

با این وجود، بارگاس یوسا، نویسنده‌ای بی‌باک‌تر و چالش‌برانگیزتر است. در حالی که گابریل گارسیا مارکز تلاش می‌کرد تا روابط خود را با حکومت در وضعی مطلوب نگه دارد، یوسا بارها نظرات تند و گزنده‌ای را درباره‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی مطرح کرده است. عقاید سیاسی او، حول محور احترام به تفاوت‌های نژادی

و فرهنگی، آموزش‌های عمومی و فرصت‌های برابر برای تهی‌استان‌می‌چرخد. رومان‌هایش نیز، چه تاریخی باشند و چه تریلرهایی سیاسی یا حتی کمدی، به دلیل در داشتن طیفی وسیع از تفکرات و دیدگاه‌های قابل تأمل، بسیار شایان توجه هستند.

ماریو بارگاس یوسا، علاوه بر درخشش در دنیای ادبیات، به‌عنوان چهره‌ی سیاسی در کشورش شناخته می‌شود. او حتی در سال ۱۹۹۰ تا آستانه‌ی رئیس‌جمهور شدن نیز پیش رفت و تا آخر به عنوان یکی از تأثیرگذارترین افراد در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، مورد عشق و نفرت اقشار مختلف ملت پرو است. زمانی که مرکز فرهنگی آمریکای لاتین، رویدادی را برای جشن گرفتن تولد ۸۰

سالگی بارگاس یوسا در سال ۲۰۱۶ برگزار کرد، چه‌رهه‌هایی همچون رئیس‌جمهور شیلی، یکی از رئیس‌جمهوران سابق اوگوئه، دو تن از رئیس‌ان جمهور سابق کلمبیا و دو تن از نخست‌وزیران سابق اسپانیا در این مراسم حضور داشتند.

سیاست‌مدار نیابت‌برای تصمیم‌اتش افسوس‌بخورده‌هیچ وقت از هیچ کار پشیمان نشده بود. آن تا اسقف رازنده زنده‌ی جوی کوسه‌ها می‌انداخت، بعد مرحله‌ای از مناسک صبحگاهی‌اش را شروع می‌کرد که همیشه با ذوق و شوق واقعی به آن می‌پرداخت و این به خاطر یادآوری رمانی بود که در جوانی آن را خوانده بود، تنها رمانی که به آن فکر کرده بود: کجا می‌روی. **(از کتاب «سور بو»)**

«کلمات، اعمال هستند». به گفته‌ی یوسا، این جمله از ژان پل سارتر، شکل دهنده‌ی درک او از نقش سیاسی رمان نویسان بوده است. این نویسنده در دهه ی ۱۹۵۰ عقاید مارکسیستی داشت و برخی صحنه‌های مقاومت کمونیست‌ها در کتاب «گفتگو در کاتدرال» (از فعالیت‌های خود او در دانشگاه سوسا مارکو در سال ۱۹۵۳ الهام گرفته شده‌اند. بارگاس یوسا درباره‌ی آن دوره می‌گوید: ده‌هی پنجاه‌ر تصور کنید؛ زمانی که من جوان بودم و نویسندگی را تازه آغاز کرده بودم. در آن دوره، جوانان پرویی، شیلیایی یا کلمبیایی در کشوری زندگی می‌کردند که ادبیات در آن، اهمیت چندانی نداشت و فقط قشری محدود به آن می‌پرداختند. بنابراین اگر نویسنده‌ی جوانی از مشکلات بسیار زیاد جامعه‌ی خود تا حدی آگاه می‌بود، بارها برایش پیش می‌آمد که از خود پرسد: هدف از نویسندگی چیست اگر من برویی، شیلیایی و یا کلمبیایی هستم؟ خوب، در این مورد، سارتر از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود چرا که او نظراتی درباره‌ی ادبیات داشت که با زندگی جوانان ساکن در کشورهای توسعه‌نیافته، در سازگاری کامل بودند. سارتر عقیده داشت که ادبیات، کارکردهای اجتماعی، سیاسی و تاریخی دارد و البته بر همه‌ی آن‌ها تأثیر گذار نیز هست. به عقیده‌ی او، انسان می‌تواند با ادبیات بر واقعیت تأثیر بگذارد.

بارگاس یوسا علاقه‌ای به صحبت درباره‌ی جزئیات زندگی عاشقانه‌ی خود ندارد. زمانی که در مصاحبه‌ای از او پرسیده شد عامل به بن بست رسیدن رابطه‌ی او با همسر اولش چه بوده، یوسا جواب داد: ببین، این موضوع به عشق مرتبط است. عشق، احتمالاً رضایت‌بخش‌ترین تجربه‌ای است که هر انسانی می‌تواند داشته باشد. هیچ چیز به اندازه‌ی عشق، زندگی آدم را درگون نمی‌سازد. با این وجود، عشق تجربه‌ای شخصی است و اگر عمومی شده‌ی ارزش، نقلی و معمولی می‌شود. برای همین هم نوشتن درباره‌ی عشق در آثار ادبی تا این اندازه مشکل است. برای این که عشق در اثرات، اصالت خود را از دست ندهد، مجبورید هوشمندانه‌ترین روش‌ها را پیدا کنید. بنابراین معتقدم اگر عشق برای فردی مهم است، آن فرد نباید به طور دقیق و مشخص در عموم دربار‌ماش حرف‌بزند.

کتاب‌های «قصه‌گو» که «جنگ آخر زمان» «چه‌کسی پالمینو مولرو را کشت؟»، «مرگ در آند»، «رویای سلط»، «قهرمان عصر ما»، «تازه کارها»، «نامه‌هایی به یک نویسنده جوان»، «راهی به سوی بهشت» و «سوسه نامکن» از دیگر آثار ارزشمن‌دان این نویسنده‌ی اهل پرو هستند.